

# تغییر ساختار قدرت در خانواده ایرانی و چند نکته

Photo: JungHyun Lee/www.shutterstock.com

یک کارشناس و مشاور خانواده با اشاره به اینکه طی سال‌های اخیر شاهد تغییر در ساختار قدرت در خانواده ایرانی هستیم، گفت: برای جلوگیری از این بحران، باید به دختران پیام‌موزیم که در زندگی زناشویی برخی قدرت‌ها را به مردان واگذار کنند و مردان نیز باید بتوانند در حلقه پذیرش مسئولیت موثرتر عمل کنند.

**شکوفه اویار حسینی در گفت‌وگو با ایسنا**، با اشاره به پژوهشی که دانشگاه شهید بهشتی در این باره انجام داده است، می‌گوید: براساس مطالعاتی که دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بر روی سه نسل انجام داده‌اند، متوجه می‌شویم که طی سال‌های گذشته در زندگی ایرانیان تغییراتی رخ داده است؛ در دوران زندگی پدربزرگان و مادربزرگان، قدرت زندگی و مولفه‌های اجتماعی مانند تحصیلات و سرمایه در دست مردان بود و زنان نسبت به همسران‌شان احساس ترس توأم با احترام داشتند و قدرت جنسی تنها قدرت زنان بود که گاهی برخی از آن به عنوان ابزار قدرت استفاده می‌کردند.

وی ادامه می‌دهد: در نسل بعدی، مادربزرگان دخترانی تربیت کردند که همان مادران نسل امروز هستند؛ آنها با مشاهده مادرانشان به این تفکر میرسند که چرا زن نباید تحصیلات، شغل و جایگاه اجتماعی داشته باشد؟ چرا باید بسوزد و بسازد؟ با این تفکر زندگی مشترکشان را پیش می‌برند، اما در عملکرد شبیه مادربزرگان رفتار می‌کنند، در واقع نسل دوم زنان ایران تفکرشان تغییر کرد اما رفتار و نقش‌های زنانه‌شان شبیه نسل گذشته بود.

اویار حسینی با اشاره به بروز نوعی تغییرات فکری در نسل امروزی می‌افزاید: پژوهشگران این تحقیقات درحالی به بروز تغییرات در نسل امروزی دست یافتند که متوجه شدند، نسل امروز دخترانی هستند که با تفکرات و رفتارهای تغییر کرده، صندلیهای دانشگاه گرفته و به همان نسبت به شغل‌های اجتماعی ورود کردند و به همین شیوه مولفه‌های قدرت را از آن خود کردند؛ یعنی دختران امروزی به گونه‌ای پرورش یافته‌اند که فکر و اندیشه آنها به طور کلی با نسل مادربزرگان‌شان متفاوت است.

این کارشناس مشاور خانواده در ادامه با اشاره به علت تغییر نقش مردان در زندگی زناشویی می‌گوید: باتوجه به اینکه زنان طی این سالها با رشد اجتماعی و تحصیلی توانستند در جایگاه خوبی قرار گیرند، اما در مقابل پدربزرگان، پدران و پسران تغییری نکردند، آنها معتقد بودند همسرانشان توانمند هستند، پس به آنها قدرت و آزادی عملکرد را واگذار کردند.

بنابر اظهارات اویار حسینی، طی سال‌های اخیر شاهد تغییراتی در ساختار قدرت در خانواده ایرانی هستیم؛ اگرچه زنان امروز به حمایت‌های عاطفی از سوی همسرانشان نیاز دارند، اما آنها نمی‌خواهند احساس آزادی و عملکرد مستقلانه‌شان را نیز از دست بدهند. همین دو راهی باعث نوعی تناقض در دختران امروزی شده، به گونه‌ای که انگار میان دو قایق زندگی سنتی و غیرسنتی گیر افتاده‌اند؛ قایقی که هرکدام مسیر متفاوتی طی می‌کند.

به گفته وی در سال‌های آینده دو گروه دختر به مشاوران مراجعه خواهند کرد؛ دسته اول دختران شاغل و تحصیل کرده 30 تا 40 ساله‌ای که علی‌رغم داشتن شرایط اجتماعی خوب به دلیل ارضا نشدن نیازهای عاطفیشان از تجردشان ناراضی هستند و دسته دوم زنان متأهل 30 تا 40 ساله‌ای که در دهه اول زندگی مشترک‌شان به دلیل اینکه خودشان از همسرشان قوی‌ترند و مؤثرتر در اجتماع عمل می‌کنند از تأهلشان ناراضی‌اند؛ این ناراضی‌ها در دو گروه زنان متأهل و مجرد در این گروه سنی، نوعی پدیده اجتماعی است.

این کارشناس مشاور خانواده تاکید کرد: برای جلوگیری از بحران تغییر نقش‌های جنسیتی در زندگی باید به دختران پیام‌موزیم که در زندگی زناشویی برخی قدرت‌ها را به مردان واگذار کنند و مردان نیز بتوانند حلقه مسئولیت‌پذیری را آموزش ببینند. این روند آموزشی باعث شکل‌گیری نسلی خواهد شد که زوجین توأم با رشد اجتماعی و آزادی، بتوانند با یکدیگر مذاکره و سازش کنند.

ایسنا منبع:

# به کسی که مورد آزار قرار گرفته است پشت «داستان جسی» نکنید

Photo: Polina Gazhur/shutterstock.com

ترجمه‌ای از خانه امن

پدر پسر را برای اولین بار در ۸۱ سالگی ملاقات کردم. ما دوستانی مشترک داشتیم و همه چیز در ابتدا به خوبی پیش می‌رفت. او با من به شکل ویژه‌ای رفتار می‌کرد، هر روز به من توجه می‌کرد و در کل بهترین مردی بود که تا آن زمان دیده بودم. ما جوان بودیم، با هم به مهمانی‌ها می‌رفتیم و از همان ابتدا با هم مواد مصرف می‌کردیم.

۶ ماه پس از شروع این رابطه، من باردار شدم و زندگی سراسر مهمانی تمام شد. پس از کشمکش‌های فراوانی که با دنیا داشتیم بالاخره آپارتمانی گرفتیم و به آنجا نقل مکان کردیم. برای آدم‌هایی به سن و سال و جوانی ما این کار بسیار سخت بود. ما هر دو از دبیرستان ترک تحصیل کردیم در حالی که برای هزینه‌های اولیه زندگی به والدین خود وابسته بودیم.

آزارها از ماه اول بارداریم آغاز شد. تمام دوران بارداری من با نگرانی درباره حیات خودم و فرزندم سپری شد و با این حال من اراده ترک این رابطه را نداشتم. فکر می‌کردم با به دنیا آوردن یک پسر او تغییر خواهد کرد، چون به گمانم این کار می‌توانست عشق و علاقه‌ام را نشان بدهد. اما آزارها پس از به دنیا آمدن پسر همچنان ادامه داشت.

چگونه با مشکل مواجه شدم؟

او همواره این احساس را ایجاد می‌کرد که مقصر تمام این مسائل من هستم و اگر من آنقدر دیوانه و عصبی نبودم این اتفاقات نمی‌افتاد. از نظر او من باید می‌دانستم چه چیزهایی باعث می‌شود او از کوره در برود و می‌بایست مراقب حرف زدنم می‌بودم.

من سعی کردم کمی بیشتر از خانه بیرون بروم و این مساله بیشتر باعث برانگیختن احساس حسادت در او می‌شد.

او به مرور این آزارها را آشکارا انجام می‌داد. من سیاه و کبود از خانه بیرون می‌رفتم، او مرا در مقابل دوستان و خانواده کتک می‌زد و به دیگران می‌گفت من چقدر دیوانه و ناسپاس هستم. رفته رفته من همه این‌ها را باور کردم.

چگونه شرایط تغییر کرد

آخرین دعوی ما وحشتناک بود. من به پلیس زنگ زدم و این باعث شد که او متهم به آزار من شود. پلیس در طی ۳ سال ۰۱ بار به خانه ما آمده بودند.

چه چیزی به من کمک کرد؟

اگر دوستانم در کنارم نبودند و از من حمایت نمی‌کردند من هرگز این رابطه را ترک نمی‌کردم.

آنها بدون هیچ قید و شرطی از من حمایت کردند. هر دفعه که من خلاف توصیه‌های آنها به دوست پسرم باز می‌گشتم اگر دوباره با آنها تماس می‌گرفتم باز هم به من کمک می‌کردند. حتی اگر این اتفاق در نیمه شب رخ می‌داد آنها باز هم حامی من بودند. آنها همیشه به حرف‌هایم اعتماد میکردند و هیچ وقت او را برای رفتارهایش توجیه نمی‌کردند.

مشاهده تغییرات در فرزندم با بیرون آمدن از آن محیط سراسر نفرت و انزجار تائیدی بر درستی اقدام من برای ترک رابطه است، حتی اگر این کار نیاز به تلاش یک تهِ در مبارزه با این وضعیت داشت.

توصیه من به دیگران

باید درک کنید که این وضعیت تقصیر شما نیست. آنچه بر سر شما آمده هیچ ربطی به آنچه که گفته‌اید یا انجام داده‌اید ندارد. علاوه بر این همه آدم‌ها از پس ترک یک رابطه برمی‌آیند اما قسمت سخت ماجرا بازنگشتن مجدد به آن است. شما نباید به راه درستی که رفته‌اید شک کنید.

این تصمیم زمانبر و پر از اشک و آه است و زندگی شما و روابط آینده‌تان را تغییر خواهد داد.

هیچ وقت به کسی که می‌دانید مورد آزار قرار گرفته است پشت نکنید حتی اگر او نمی‌تواند رابطه‌اش را ترک کند. این کار سخت‌تر از آن چیزی است که شما تصور می‌کنید. تا زمانی که در چنین شرایطی قرار نگیرید متوجه سختی آن نخواهید شد.

یادتان باشد افرادی هستند که شما را باور می‌کنند و کمک‌تان خواهند کرد. شما آن فردی نیستید که فرد آزارگر القا کرده است. شما بر زندگی خودتان کنترل دارید.

[منبع](#)

## آیا مرد می‌تواند در صورت بیماری همسرش ازدواج مجدد کند؟

Photo: romi49/shutterstock.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:** سلام! من در مورد مشکل دخترعمویم می‌خواستم با شما مشورت کنم. دخترعموی من 11 سال پیش ازدواج کرده و یک پسر 8 ساله دارد. متأسفانه مدتی است که بیماری ام‌اس دارد. گاهی حالش خوب است و گاهی بد. وقتی حالش بد است توانایی حرکت کردن را از دست می‌دهد و باید استراحت کند. دکتر گفته احتمال دارد بدتر هم بشود. بیماری دخترعمویم مشکلات خانوادگی برایش ایجاد کرده است. شوهرش زیاد مراعات حالش را نمی‌کند و مرتب کنایه و یا حرف‌های ناخوشایندی به او می‌زند. همیشه سرکوفت می‌زند که تو از اول مریض بودی و من را بدبخت کردی. این باعث می‌شود حال دخترعمویم از لحاظ روحی و روانی بدتر شود. خانواده شوهرش هم پرجمعیت است و مرتب به خانه آنها رفت و آمد دارند. خانواده عمویم بیشتر در شهرستان هستند و زیاد نمی‌توانند کمکی به او بکنند. چند وقت پیش شنیدم که شوهرش به او توهین کرده و گفته چقدر باید بیماری تو را تحمل کنیم. به هر حال دخترعمویم تصمیم گرفته به خانه پدرش بیاید. چند روز پیش با من صحبت کرد و مشورت خواست. مثل اینکه خانواده شوهرش قصد دارند برایش زن دوم بگیرند. سوال من این است که آیا مرد می‌تواند در صورت بیماری همسرش ازدواج مجدد کند؟

**پاسخ:** با سلام! متأسفم از مشکلی که پیش آمده است. بر طبق بند 4 ماده 16 قانون حمایت خانواده سال 1353، در صورتی که زن دچار بیماری صعب‌العلاجی شود طوری که دوام زندگی زناشویی برای طرف دیگر مخاطره‌آمیز باشد، شوهر می‌تواند با مراجعه به دادگاه اجازه ازدواج مجدد بگیرد. البته دادگاه با توجه به میزان بیماری زن حکم صادر می‌کند. یعنی اگر بیماری ام‌اس دخترعمویتان امکان درمان داشته باشد، دادگاه این اجازه را صادر نخواهد کرد. اما اگر دادگاه بیماری را صعب‌العلاج تشخیص دهد، به شوهر اجازه ازدواج مجدد می‌دهد.

بیشتر بخوانید:

[معلولان و کنترل‌گری؛ خشونت به نام محبت](#)

[روایت کاترینا](#)

[جالش‌های شهادت یک ناشنوا در دادگاه](#)

**سوال:** اینکه شوهر مرتب به ایشان طعنه می‌زند و او را تحت فشار روانی قرار می‌دهد، آیا راه قانونی برای برخورد وجود ندارد؟

**پاسخ:** متأسفانه تا این حد رفتار شوهر جرم نیست. اگر توهین صریحی انجام شود، می‌توان شکایت کرد اما طعنه زدن و یا تحت فشار روانی قرار دادن در قوانین مورد توجه قرار نگرفته‌اند و با توسل به قانون نمی‌توان با آن برخورد کرد.

**سوال:** آیا دخترعمویم می‌تواند بدون اجازه شوهرش خانه را ترک کند و به خانه پدرش برود؟

**پاسخ:** ایشان می‌تواند خانه را ترک کند. یعنی شوهرش حق ندارد به زور مانع ترک خانه شود، اما اگر بدون دلیل موجه باشد حق نفقه ایشان ساقط خواهد شد. بر اساس ماده 1115 قانون مدنی: «اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف، ضرر بدني، مالي یا شرافتي براي زن باشد زن مي‌تواند مسكن علي‌حده اختيار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.» بنابراین با توجه به اینکه می‌گویید شوهر دخترعمویتان ایشان را تحت فشار قرار داده، شاید بتوان با استناد به این ماده گفت که دخترعمویتان حق ترک خانه را دارد. توجه کنید که اگر کار به دادگاه بکشد، این مساله توسط قاضی بررسی شده و طبق نظر ایشان دخترعمویتان شامل این ماده می‌شود. اگر قاضی تشخیص بدهد که دخترعمویتان در خانه متضمن ضرر نفسی یا شرافتی می‌شود، ایشان شامل ماده خواهد شد، اما اگر این مساله را تشخیص ندهد و شوهر تقاضای الزام به تمکین کند، خانم باید به خانه برگردد و اگر برنگردد نفقه‌اش ساقط می‌شود.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**سوال:** ما احساس می‌کنیم که شوهر دختر عمویم قصد دارد او را طلاق بدهد. اول اینکه آیا می‌تواند طلاق دهد و دوم اینکه اگر طلاق بدهد حضانت بچه با کیست؟

**پاسخ:** بله شوهر هر موقع بخواهد می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد و نیازی به ارائه دلیل و توجیه ندارد. در مورد حضانت فرزند بر طبق ماده 1169 قانون مدنی ایران: «برای حضانت و نگهداری طفلي که ابوين او جدا از یکدیگر زندگي مي‌کنند، مادر تا سن هفت‌سالگي اولویت دارد و پس از آن با پدر است. تبصره - بعد از هفت‌سالگي در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه است.» با توجه به اینکه فرزند 8 سال دارد، حضانت به پدر واگذار می‌شود، اما اگر مادر مخالفت کند و خواهان حضانت باشد، دادگاه در این مورد تصمیم می‌گیرد. اگر شوهر مشکل خاصی از جمله اعتیاد و یا سابقه خشونت نداشته باشد، حضانت به ایشان واگذار خواهد شد. به هر حال دادگاه در این مورد تصمیم‌گیری می‌کند.

**سوال:** اگر دختر عمویم بداند که در صورت طلاق فرزندش را از او می‌گیرند، به هیچ وجه جدا نمی‌شود و مجبور است در خانه شوهرش بماند و تحمل کند. این به نظرتان قانون درستی است؟

**پاسخ:** متأسفانه قوانین ایران در مورد حضانت مشکلاتی دارند. خیلی وقت‌ها زن‌ها مجبور به تحمل خشونت می‌شوند تا در کنار فرزندانشان بمانند. مشکل دیگر اینکه اگر مرد یک‌طرفه هم طلاق بدهد، بازهم تغییری در وضعیت حضانت پیش نمی‌آید. یعنی اگر دختر عموی شما به دلیل فرزندش حاضر به طلاق نباشد، اما شوهرش طلاق دهد بازهم حضانت بر طبق مطالبی که گفته شد به پدر واگذار می‌شود.

**سوال:** سوال آخر اینکه اگر دختر عمویم بدون اینکه طلاق بگیرد، با فرزندش به خانه پدرش برود، آیا شوهر می‌تواند بچه را از او بگیرد؟ آیا بیماری حق مهریه را از بین می‌برد؟

**پاسخ:** این مساله در قانون ذکر نشده اما با توجه به اینکه پدر ولی قهری طفل محسوب می‌شود و اختیار تصمیم‌گیری در مورد او را دارد، به احتمال بسیار دادگاه با تقاضای ایشان مبنی بر برگرداندن طفل موافقت می‌کند. در مورد مهریه، زن در هر حال می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند، چه قبل از طلاق و چه بعد از آن. بیماری دخترعمویتان حق مهریه را از بین نمی‌برد.

## [مجرد در خانواده](#)

Photo: grigvovan/depositphotos.com

واقعه‌ی تعرض جنسی به گروه بزرگی از دانش‌آموزان دبیرستانی در غرب تهران، به خبر اول رسانه‌ها در روزهای اخیر تبدیل شده است. هرچند بعید است کسی از میزان خشونت، کیفیت گفتمان جنسیتی حاکم و رواج آزار جنسی دانش‌آموزان در دبیرستان پسرانه بی‌خبر باشد، ولی ابعاد این خبر و مستنداتش چنان گسترده است که حتی مدیران آموزش پرورش که معمولاً تمایلی به پاسخ‌گویی ندارند نیز واکنش نشان داده‌اند. بنا به گزارش اولیه‌ی [خبرآنلاین](#)، والدین یکی از دانش‌آموزان متوجه تغییر رفتار پسر خود می‌شوند و پس از چندی با کمک یک روانشناس علت اصلی این تغییر رفتار مشخص می‌شود؛ آزار جنسی گروه گسترده‌ای از دانش‌آموزان توسط یکی از مسئولان مدرسه.

در این بین سوالی مهم مطرح است، اگر والدین آن دانش‌آموز فرزند خود را نزد روانشناس نمی‌بردند چقدر ممکن بود از این ماجرا پرده برداشته

شود؟ اگر روانشناس مذکور نقش واسط را بین قربانی و خانواده‌اش بازی نمی‌کرد چه می‌شد؟ بیایم فرض کنیم که ما قربانیان چنین ماجرابی هستیم (و چه بسا واقعا هم باشیم). چگونه و تا چه حدودی این داستان را برای پدر و مادرمان تعریف می‌کردیم؟ آیا عجیب نیست داستانی که حالا در رسانه‌های اجتماعی با جزییات بیان می‌شود، روزی قابل مطرح شدن در درون خانواده‌های قربانیان نبوده؟

به نظر می‌رسد نه برای قربانی و نه برای ما شاهدان تراژدی، زبانی برای انتقال بحران‌هایی که در حوزه‌ی «[تابو](#)» شکل می‌گیرند وجود ندارد. در این مورد بخصوص، داستان از آنجایی تراژیک‌تر و مضحک‌تر می‌شود که مکان وقوع تعدی یک مدرسه است. نهادی که منطقاً قرار است محل آموزش و تحصیل علوم مختلف من جمله ادبیات و زبان فارسی باشد. در چنین مکانی است که دانش‌آموزان از بیان بی‌واسطه‌ی مسئله‌ای چنین بغرنج و حیاتی به زبان فارسی به خانواده‌هایشان عاجز بوده‌اند [۱]. این در صورتی است که ظاهراً نه آن مسئول خاطی در بیان فرامین و فانتزی‌هایش به همان دانش‌آموزان مشکل زبانی داشته و نه دانش‌آموزان مشکلی در دریافت منظور این فرد، چرا که در آن محیط «مجردی»، «خانواده» حضور نداشته است.

کلمه‌ی «مجرد» در فارسی ایرانی هرچند به صورت رسمی، مثلاً در فرم‌های استخدامی (مجرد-متاهل)، جنسیت خاصی ندارد، ولی در کاربرد روزمره عموماً معنای مردانه‌ای دارد. در مقابل هر ظرفی که فعالیت خانوادگی در آن انجام می‌شود، می‌توان ظرف مجردی‌اش را هم متصور شد: از کویه‌ی قطار گرفته تا خانه و سفره‌خانه (به یاد دارم تا اواسط دهه‌ی هشتاد بلیط سینما هم خانواده/مجردی داشت). این گفتمان مجردی-خانواده آن‌چنان قدرتمند است که حتی مسئولینی که علاقه‌مندند، ولو به صورت نمایشی، خود را پیگیر حضور زنان در استادیوم‌ها نشان دهند، از ترکیب «[حضور خانواده‌ها](#)» استفاده می‌کنند. دبیرستان پسرانه شاید نه اولین ولی یکی از موثرترین نهادهایی است که دوگانه‌ی مجردی-خانوادگی را برای پسران ترسیم می‌کند. در دبیرستان‌ها، پسران با خشونت به درون دایره‌ی مجردی هل داده می‌شوند و هر آن‌چه بیرون از این دایره قرار می‌گیرد تحت نام «خانواده» تعریف می‌شود. به این ترتیب آینده‌ای برای پسران تصویر می‌شود که خارج از این دوگانگی نیست: یا مجرد عضلانی خوشگذران خشن منزوی یا خانواده.

کار رفته درتا آسمان با زبان به رود اغلب زمین‌ها به کار می‌زبان فارسی هم تابع این دوگانگی است، ادبیاتی که در منازل و پیش خانواده جمع‌های دوستی مجردی مردانه فاصله دارد. برقراری هر پلی میان این دو جهان و دو زبان از هر دو طرف ناممکن بوده و تقبیح می‌شود. خانواده ساختش به خطر بیفتد و قدمی به سوی فهم جهان مجردی بردارد و روابط میان پسران و مردان جوان را آن «حرمت» و «احترام» حاضر نیست نیز اذعان به ضعف، درخواست کمک و ابراز عدم علاقه به مسائل جنسی جایی ندارد. «مجردی-مردانگی» که هست ببینید، و در فرهنگ گونه

در دبیرستان‌های پسرانه، زبان و ادبیات اعتراض به بی‌عدالتی و تعرض جنسی آموزش داده نمی‌شود ولی پیش‌نیازهای پادگانی به خوبی تدریس می‌شوند. سربازی پسران را مرد می‌کند، اما آنها فقط به شرط آنکه مردانگی و شاخص‌های خشن و برتری‌طلبانه‌اش را در دبیرستان خوب فرا بگیرند، در پادگان دست بالاتر را خواهد داشت.

#### پانوش:

۱) افرادی که رسوایی اخلاقی» پرس‌تی‌وی «را به خاطر دارند احتمالاً به یاد دارند که در فایل صوتی مربوطه قربانی که در طول مکالمه فارسی صحبت می‌کرد، ناگهان در هنگام اشاره به آزارهای جنسی از زبان انگلیسی استفاده می‌کرد.

[میدان منبع:](#)

## اجبار به تن‌فروشی از طرف شوهر خواهر

Photo: Polonez/www.shutterstock.com

موسی برزین

پوش:

سلام، خسته نباشید!

در همسایگی ما یک دختری زندگی می‌کند که پدر و مادرش چند سال پیش فوت کرده‌اند و به همین دلیل او که جایی برای رفتن نداشته در سن ۶۱ سالگی به خانه خواهر خود می‌آید. خواهرش بسیار بزرگ‌تر از خودش است و شوهر خواهر هم یک مرد معتاد و موادفروش است. وضعیت مالی‌شان هم خیلی بد است. خلاصه برخی‌ها در محله می‌گویند این مرد خواهر زنش را مجبور به همخوابگی با مردان

می‌کند. یعنی این دختر را می‌فروشد و در قبالتش مواد یا پول می‌گیرد. خواهر این دختر نیز اصلا اعتراضی ندارد. من شنیده‌ام که این آقا خانمش را هم مجبور به این کار می‌کرده است. الان این دختر ۱۲ سالش است. پدر من یک سوپر مارکت در محله دارد و من هم بعضی وقت‌ها به او کمک می‌کنم. این دختر هم مرتب برای خرید به مغازه ما می‌آید و بعضا چند کلمه‌ای با هم صحبت می‌کنیم. چند روز پیش برای خرید سیگار آمده بود با صورت کبود. پرسیدم چه شده و او گفت شوهر خواهرش او را زده. بعد تعریف کرد که شوهر خواهرش مجبورش کرده به خانه چند مرد برود و شب را با آنها بگذراند. این دختر هم قبول نکرده و شوهر خواهرش به شدت کتکش زده. واقعیتش می‌خواهم یک کاری بکنم چون دلم برایش می‌سوزد اما نمی‌دانم راهش چیست و از کجا باید شروع کنم. آیا این دختر می‌تواند شکایت کند؟

**پاسخ:**

سلام!

متأسفانه پدیده اجبار به تن فروشی از طرف اعضای خانواده به کرات مشاهده شده است. مخصوصا افراد معتاد بیشتر اقدام به این کار می‌کنند. برخی پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهند تعداد قابل توجهی از تن فروشان زن، به اجبار یکی از اعضای خانواده خود همچون همسر و پدر به این کار مبادرت کرده‌اند. بر اساس داده‌های یک طرح پژوهشی با عنوان «ارزیابی سریع وضعیت تن فروشی در شهر تهران با تاکید بر رفتارهای پرخطر مرتبط با ایدز» که در سال ۶۸۳۱ از سوی سعید مدنی قهفرخی به سفارش وزارت بهداشت و دفتر جمعیت سازمان ملل متحد انجام شد، ۷۲ درصد زنان مورد مطالعه در این پژوهش، اولین تن فروشی خود را به اجبار یکی از اعضای خانواده خود انجام داده‌اند.

اما پاسخ به پرسش شما: در قوانین ایران جرم خاصی با عنوان اجبار به تن فروشی وجود ندارد؛ گرچه در قانون مجازات اسلامی جرمی با عنوان «قوادی» وجود دارد که بر اساس آن می‌توان از کسانی که فردی را مجبور به تن فروشی می‌کنند، شکایت کرد.

قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط. ماده ۳۴۲ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «حد قوادی برای مرد ۵۷ ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر ۵۷ ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط ۵۷ ضربه شلاق است.»

در مورد شوهر خواهر این خانم نیز این جرم صادق است. بنابراین ایشان می‌تواند به دادسرا رفته و شکایت کند. البته باید اثبات شود که شوهر خواهر این خانم، او را مجبور به این کار می‌کند.

**[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)**

**پرسش:**

اگر این دختر برود بگوید من مرتکب رابطه جنسی شدم آیا برای خودش خطر ندارد؟ آیا خودش را نمی‌گیرند؟

**پاسخ:**

متأسفانه در حقوق ایران چنین مشکلی وجود دارد. گرچه در قوانین اگر شخصی مجبور به عمل مجرمانه شود مسئولیت کیفری ندارد اما اجبار یعنی وضعیتی که اراده فرد را سلب کند. در مورد مسأله‌ای که شما مطرح کردید این سوال پیش می‌آید که آیا این دختر نمی‌توانسته از همخوابگی با مردان امتناع کند؟ آیا اراده وی به کلی سلب شده است؟ و....

**از این نویسنده بیشتر بخوانید:**

[۵۱ ساله بود که شوهرش دادند](#)

[نگذاشت دختر نابینا مدرسه برود](#)

[شوهرم مرا وادار به فروش مواد می‌کند](#)

با وجود این در قانون مجازات مقرراتی وجود دارد که می‌توان با استناد به آن برداشت کرد که در مواردی که فرد از طرف دیگری در اثر تهدید مجبور به زنا می‌شود مسئولیت نداشته و مجازات نخواهد شد.

بر اساس تبصره دو ماده ۴۲۲ قانون مجازات «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او نباشد. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه

موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

اما با توجه به اینکه در این تبصره وضعیت زانی و رفتار او در نظر گرفته شده و در موضوع بحث ما زانی خود اجبار و اکراهی انجام نداده و این اجبار از ناحیه دیگری بوده است، بنابراین نمی‌توان زنا را به عنف دانسته و مجازات آن را نسبت به زانی محقق دانست اما از ضابطه ارائه شده در این ماده یعنی رفع مسئولیت به دلیل مورد تهدید و ترس قرار گرفتن زانیه، می‌توان برداشت کرد که فرقی بین اینکه تهدید و ترساندن از ناحیه زانی بوده باشد یا دیگری وجود ندارد. یعنی نسبت به مسئولیت قربانی تهدید یا ترس، فرقی نمی‌کند که این تهدید از ناحیه چه کسی بوده است بلکه مهم این است که در اثر تهدید، اراده و خواست زانیه سلب شده باشد

**پرسش:**

به نظرتان چه کار می‌توانیم بکنیم؟

**پاسخ:**

اولین اقدامی که لازم است انجام شود دور شدن این خانم از خانه شوهر خواهرش است. این خانم به نحوی باید محل زندگی خود را جدا کند چون تا ایشان در منزل شوهر خواهرش زندگی می‌کند در معرض انواع خشونت‌هاست. در این راستا می‌توانید با اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی تماس بگیرید. در مورد اقدام قضایی پیشنهاد می‌شود به دادسرا مراجعه شده و از خواهر شوهر شکایت شود. گرچه این شکایت مشکلاتی را داشته و اثبات اجبار سخت است اما به هر حال دادگاه در این مورد تحقیق کرده و ممکن است خود مدارکی را پیدا کند. این خانم هم اگر شاهدهی دارد می‌تواند به دادگاه معرفی کند. ضمن اینکه اگر شوهر خواهر مواد فروش است شما می‌توانید این مساله را به نیروی انتظامی گزارش دهید تا به این دلیل و تحت این عنوان، مورد پیگرد قرار بگیرد.

## جامعه‌ناشنوای ایران، فناوری‌ها و رسانه‌های تصویری

Photo: //medn.me/qdt4hw

در تعطیلات نوروز امسال با بالاگرفتن هیجان مردم برای تماشای برنامه‌های تلویزیونی محبوب همچون «کلاه قرمزی»، بار دیگر جامعه‌ناشنوا درخواست خود مبنی بر حق استفاده برابر از رسانه ملی را اعلام کرد و گرچه همچنان در این راه مسیر طولانی پیش روی خود می‌بیند، اما پیروزی‌هایی هم به دست آورد، از جمله آنها دسترسی به بعضی برنامه‌ها از طریق زیرنویس بود. گرچه خدمات زیرنویس نه از تلویزیون ملی که با کار داوطلبانه بعضی افراد و از طریق کانال‌های تلگرام انجام شد. این یادداشت با نگاهی به تغییرات اخیر به موضوع تلویزیون و فناوری‌های تصویری و نقش آن در جامعه‌ناشنوای ایران می‌پردازد.

**محرومیت**

یکی از معانی دورافتادگی و محرومیت با مفهوم دوری جغرافیایی از مرکز به ذهن تداعی می‌شود، دور ماندن از تغییرات فرهنگی، هنجارها و اطلاعات و امکانات تازه در «مرکز» است که به مرور باعث محرومیت‌های گسترده دیگر در حوزه‌های مختلف زندگی افراد می‌شود. وضعیت ناشنویان در ایران تا سالهای طولانی شبیه وضعیت زندگی افراد در نقاط دورافتاده جغرافیایی بوده است، با اینکه بسیاری از آنها در شهرهای بزرگ و پرجمعیت با امکانات متوسط به بالا زندگی کرده‌اند. زیرا همواره دسترسی آنها به اطلاعات و مفاهیم رایج در جامعه یک دسترسی محدود و پر از مانع بوده است. رادیو، تلویزیون و سینما بدون زیرنویس یا مترجم برای ناشنویان کارایی ندارد. همچنین به دلیل مشکلات و بحرانهای آموزش، بسیاری از ناشنویان با روزنامه، مواد چاپی و متن اخبار و گزارش‌ها به زبان فارسی هم غریبه مانده‌اند. تا دهه اخیر هم به جز رادیو-تلویزیون رسمی و کتاب و مطبوعات رسمی، منبع دیگری در کشور موجود نبود که افراد از طریق آن به دنیای اطلاعات و هنر و دانش و سرگرمی وصل شوند.

**انزوا در خانواده**

بسیاری از ناشنویان تجربه‌ها و خاطرات تلخی از جمع خانواده و فامیل در حضور تلویزیون دارند. زمان پخش برنامه‌های پرطرفدار تلویزیونی همه خانواده با علاقه و هیجان آن برنامه را باهم تماشا می‌کنند، بحث می‌کنند و گاه می‌خندند. اگر عضو ناشنوا از آنها بخواهد

موضوع برنامه را برایش ترجمه کنند گاهی چند جمله مختصر دریافت می‌کند و گاهی هم با عصبانیت و بی‌حوصلگی اعضای خانواده مواجه می‌شود. دلیل این وضعیت گاهی به ناآشنا بودن اعضای خانواده با زبان اشاره و نابلدی آنها مربوط است، و اینکه ترجمه همزمان کار آسانی نیست و گاهی نیز مستقیماً به تبعیض ساختارمند علیه ناشنوایان مربوط است؛ به این ترتیب که افراد شنوا گمان می‌کنند لازم نیست عضو ناشنوی خانواده هم به طور برابر از همه موضوعات باخبر باشد یا مثلاً شاید موضوعات پیچیده‌تر را نفهمد و از این رو برای توضیح موضوعات مختلف به او تلاشی نمی‌کنند.

## فرزندان شنوا

در مورد والدین ناشنوا وضعیت خانوادگی پیچیدگیهای دیگری هم دارد. پدر یا مادر ناشنوا عموماً از فرزندانش شنوای خود در امور مختلف کمک می‌گیرند. مهمترین کمک فرزندان ترجمه برنامه‌های تلویزیونی مورد علاقه و نیز همراهی با آنها در مراجعات پزشکی و اداری مختلف است. در واقع فرزندان این نوع خانواده‌ها پل ارتباطی والدین خود با جامعه بزرگتر هستند. این فرزندان به دلیل آنکه زبان اشاره را از نوزادی با پدر و مادر خود همچون یک زبان مادری یاد گرفته‌اند، تسلط بالایی به زبان اشاره دارند. همچنین به زبان گفتاری محیط (فارسی، ترکی، کردی، عربی، بلوچی، ...) هم به خوبی مسلط هستند. به همین دلیل فرزندان شنوای پدر و مادر ناشنوا مترجمان کارآمدی هستند، اما مشکلات بسیاری نیز در این وضعیت وجود دارد. این افراد چون از کودکی نقش کمک‌رسان به پدر و مادر خود را ایفا کرده‌اند فشارهایی بسیار بیشتر از کودکان دیگر متحمل می‌شوند. وابستگی ناشنوایان به افراد شنوای خانواده خود بسیار شدید است و همین امر مشکلات زیادی، گاهی عاطفی و گاهی حقوقی پیش می‌آورد. تفکر قابل قبول و رایج این است که هر فرزندی که شنواست وظیفه دارد به والدین ناشنوی خود خدمات‌رسانی کند و این موضوع باری سنگین به دوش آنان است.

## زبان اشاره طبیعی

حضور مترجم زبان اشاره در تلویزیون در بسیاری کشورها سالهاست رواج یافته است. در ایران نیز در اواخر دهه هفتاد، برای اولین بار مترجم زبان اشاره در تلویزیون سراسری ایران، شبکه دو، برنامه خانواده ظاهر شد. این امر شاید رویداد مهمی برای جامعه ناشنوایان به شمار می‌رفت اگر شخصی که ترجمه همزمان را انجام می‌داد از زبان اشاره طبیعی قابل فهم برای ناشنوایان استفاده می‌کرد و نه «فارسی اشاره‌ای» که نوعی تغییر دادن آوا به تصویر است بدون آنکه راحت و روان برای ناشنوا قابل فهم باشد. اخبار ناشنوایان نیز - که بیشتر مورد علاقه افراد شنوای ایران است - تاکنون عملاً کمک چندانی به اطلاع‌رسانی به ناشنوایان نکرده زیرا نظام جملات در این برنامه طبق دستور زبان فارسی است. به این ترتیب که گوینده، جملات فارسی را با معادل‌هایی در زبان اشاره جایگزین می‌کند. این شیوه یک شیوه مصنوعی است و با زبان اشاره طبیعی ناشنوایان همخوانی ندارد.

## تغییرات جدید و همبستگی بیشتر

همانطور که گفته شد عدم دسترسی به آموزش برابر و غیرقابل فهم بودن برنامه‌های تلویزیونی مانع اصلی دستیابی ناشنوایان به اطلاعات و مسائل روز بوده و این عدم دسترسی موجب محرومیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی در این جامعه شده است. اما این وضعیت در دهه اخیر با تکنولوژی‌ها و امکانات جدید رو به تغییر است. ناشنواهایی که از موبایل و کامپیوتر و اینترنت استفاده می‌کنند با علاقه از این امکان برای افزایش سطح آگاهی خود بهره می‌گیرند و تعداد آنها به سرعت رو به افزایش است. اخیراً اپلیکیشن تلگرام در میان ناشنوایان بسیار طرفدار پیدا کرده و بسیاری از نخبگان و فعالان ناشنوا از آن برای ضبط و پخش سریع ویدئوهایی به زبان اشاره استفاده می‌کنند. در واقع کمبود امکانات آموزش رسمی در کشور، تا حدی به شیوه‌های غیررسمی جبران می‌شود. شاید یکی از دلایلی که سرانجام ناشنوایان توانستند حرف خود را به جامعه شنوا، فعالان حقوق معلولان و سرانجام به مسئولان برسانند همین امر بوده باشد. زیرا اینترنت و برنامه‌های ضبط و پخش آسان فیلم، تحول بزرگ و مثبتی برای زبان اشاره ایرانی و هویت‌شناسی ناشنوایان ایران ایجاد کرده است و ناشنوایانی که به دلیل دور بودن از یکدیگر امکان مکالمه و ارتباط نداشته‌اند، اکنون می‌توانند از گوشه و کنار با هم از مشکلات خود سخن بگویند و همین به همبستگی بیشتر آنها و پیشرفت زبانی و اجتماعی آنها کمک می‌کند.

## چشم‌انداز آینده

جامعه ناشنوا در حال تلاش و تکاپو است که حق دسترسی به مترجم حرفه‌ای زبان اشاره را هم برای امور شهروندی و هم در تلویزیون به دست آورد. تلاش دیگر این جامعه در راستای معرفی و به رسمیت شناختن «زبان اشاره طبیعی» به جای «فارسی اشاره‌ای» است. زیرا همانطور که گفته شد فارسی اشاره‌ای زبانی طبیعی نیست و درک آن دشوار است.

استخدام مترجم حرفه‌ای از یک سو و مطالبه زیرنویس فارسی برای برنامه‌های پرتلفاز دو مسیری است که جامعه ناشنوا برای احقاق حقوق شهروندی خود در پیش گرفته است. تکنولوژی‌های جدید زبانی و زبانشناسی به راحتی می‌توانند امکان زیرنویس برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی را برای ناشنوایان فراهم آورند تا وابستگی آنان به افراد شنوا برای درک برنامه‌های تلویزیونی کاهش یابد. تنها مسئله ایجاد اراده به تغییر و بهبود اوضاع در سازمان‌های مرتبط با امور ناشنوایان است.

## نگاهی به عملکرد بهزیستی در سال ۶۹

Photo: Ocus Focus/bigstockphoto.com

در برخورد با آسیب‌های اجتماعی اولین نهادی را که مسؤول می‌دانیم، بهزیستی است؛ در کنار آن هرگاه نام معلولان می‌آید، نگاه‌ها به سمت بهزیستی می‌رود؛ همچنین برای بهبود وضعیت معیشتی بسیاری از گروه‌ها به سراغ بهزیستی می‌رویم. بر همین اساس حجم فعالیت‌های بهزیستی بالاست؛ البته بسیاری از فعالیت‌هایش با همکاری و هماهنگی سایر ارگان‌ها به انجام می‌رسد.

سازمان بهزیستی با وجود آن‌که در حوزه‌های مختلفی در حال فعالیت است اما در بررسی عملکرد یکساله‌اش می‌بینیم سرانجام بسیاری از طرح‌های مطرح‌شده از سوی این نهاد نامشخص است.

به گزارش **مه‌رخانه**، در برخورد با آسیب‌های اجتماعی اولین نهادی را که مسؤول می‌دانیم، بهزیستی است؛ در کنار آن هرگاه نام معلولان می‌آید، نگاه‌ها به سمت بهزیستی می‌رود؛ همچنین برای بهبود وضعیت معیشتی بسیاری از گروه‌ها به سراغ بهزیستی می‌رویم. بر همین اساس حجم فعالیت‌های بهزیستی بالاست؛ البته بسیاری از فعالیت‌هایش با همکاری و هماهنگی سایر ارگان‌ها به انجام می‌رسد.

زنان آسیب‌دیده و راه‌اندازی مراکزی که به انجام نرسید

فروردین‌ماه احمد خاکی، معاون اموراجتماعی بهزیستی استان تهران از راه‌اندازی مراکز غیراقامتی حمایت از زنان آسیب‌دیده و ویژه (مراکز راه نو) خبر داد. مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد یا آسیب‌دیده اجتماعی (ویژه) به مراکزی اطلاق می‌شود که طبق وظایف قانونی محوله، دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و ویژه را نگهداری یا به‌صورت غیرشبهانه‌روزی تحت پوشش داشته و با ارائه خدمات تخصصی نظیر مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، بهداشتی، زمینه‌های توانمندسازی و بازگشت آن‌ها به زندگی سالم را از طریق پیوند مجدد با خانواده، آموزش، ایجاد اشتغال، کسب درآمد مشروع، ازدواج و تشکیل خانواده فراهم می‌کند.

در تعریف دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد نیز آمده است: زنانی که به دلایلی همچون متشنج بودن خانواده، اغفال و ... از کانون خانواده دور شده یا با سوءتفاهم از خانواده اخراج شده‌اند، به این ترتیب فاقد سرپرست مؤثر بوده و آمادگی، درایت یا توان کافی اقتصادی برای زندگی مستقل را نداشته و احتمال آسیب‌پذیری و برقراری روابط خارج از عرف در آن‌ها وجود دارد. همچنین زنانی که از طریق ایجاد روابط نامتعارف، کسب درآمد و گذران معیشت کرده یا به ارزش‌های اخلاقی اجتماعی پایبند نبوده و علی‌رغم مبادرت به روابطی، از این عمل انگیزه کسب درآمد را ندارند که این‌گونه افراد پس از تحمل مجازات قانونی به دلیل فقدان مکان زندگی و عدم پذیرش اجتماعی توسط مراجع قضایی به مراکز بازپروری معرفی می‌شوند یا به‌صورت خودمعرف برای بهره‌گیری از خدمات حمایتی و بازپروری مراجعه می‌کنند.

در آن زمان عنوان شد که 2 مرکز بازپروری «آصف» ویژه افراد زیر ۸۱ سال و همچنین مرکز بازپروری «ارشاد» ویژه افراد بالای ۸۱ سال فعالیت کرده و شهرستان مجری این طرح نیز شمیرانات است. اما پس از آن اطلاعاتی از راه‌اندازی مرکزی جدید شنیده نشد.

سند ملی سالمندان

ابتدای امسال مسؤولان سازمان بهزیستی اعلام کردند که سند ملی سالمندان تدوین شده و به زودی به سازمان برنامه و بودجه کشور ارسال می‌شود تا در هیأت دولت تصویب و عملیاتی شود و طبق موارد پیش‌بینی شده در برنامه ششم توسعه، بخش‌هایی از آن در سال‌های مختلف این برنامه اجرا خواهد شد.

سرانجام پس از چندین ماه امیدواری برای تصویب این سند، در روز سوم دی به تصویب رسید.

از دیگر مباحث مطرح شده در حوزه سالمندان اعطای مجوز به سمن‌هایی با عناوین فرزنانگان و مراکز نگهداری روزانه بود.

#### بیمه مراقبتی طولانی مدت

بیمه مراقبتی طولانی مدت به سالمندی که تحت مراقبت خود یا فرد دیگری است، تعلق می‌گیرد. در سند سالمندی به طور واضح به این موضوع اشاره شده است. اطلاعاتی از به سرانجام رسیدن این طرح وجود ندارد.

#### بانک اطلاعات سالمندان

بحث بانک اطلاعات سالمندان جزو موضوعاتی بود که ابتدای امسال به عنوان یکی از جدی‌ترین برنامه‌های بهزیستی در حوزه سالمندان مطرح شد. پس از آن در مردادماه از برگزاری اقدامات و جلسات اولیه برای ایجاد بانک اطلاعات جامع سالمندان خبری منتشر شد. اما از آن زمان به بعد صرفاً تأکیدی بر ایجاد این بانک اطلاعاتی منتشر می‌شد و خبری دقیق در رابطه با شروع به کار جمع‌آوری اطلاعات سالمندان منتشر نشد.

#### راه‌اندازی کلپ‌های سالمندی

به گفته مسئولان سازمان بهزیستی کلپ‌های سالمندی از دیگر بحث‌هایی است که به دنبال اجرای آن بوده‌اند. قرار بود در این کلپ‌ها، به هر آنچه اوقات فراغت سالمندان را پر می‌کند، بپردازند. براساس قول مسئولان قرار بود این کلپ‌ها تا پایان سال 96 راه‌اندازی شود که شاهد این اتفاق نبودیم.

#### راه‌اندازی دانشگاه نسل سوم

دانشگاه نسل سوم، برنامه‌ای دیگری است که بهزیستی در حوزه سالمندان تصمیم به اجرای آن داشت و طبق اعلام مسئولان در اوایل سال جاری دو دانشگاه آماده بودند. در این طرح، کلیه آموزش‌هایی که در درجه اول برای سالمندان و در درجات بعدی برای اعضای خانواده و افراد مرتبط با سالمندان نیاز است، ارائه می‌شود. هدف از این آموزش‌ها این است که سالمندان به‌روز شوند، بتوانند در جامعه اثرگذار باشند و به سالمندان دیگر نیز آموزش دهند.

به گفته مسئولان قرار بود در سال 96 حتماً از این طرح بهره‌برداری شود. هرچند پس از مدتی به‌طور جدی مطرح شد که قرار است دانشگاه سالمندان در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان راه‌اندازی شود اما هیچ خبری از راه‌اندازی یا عدم راه‌اندازی آن منتشر نشد. البته پیش از این برای اولین بار در ایران در سال 1391 دانشگاه علوم پزشکی زاهدان اقدام به راه‌اندازی دانشگاه نسل سوم کرده بود.

(در همین زمینه: [آموزش سالمندان در نخستین دانشگاه سالمندان کشور / باید برای رویه‌روشدن با سالمندی جمعیت آماده شویم](#))

#### طرح مراقبین خانگی و مشکل کمبود بودجه

تیرماه معاون توانبخشی سازمان بهزیستی از تحت پوشش قرار گرفتن 10 هزار نفر از سالمندان و معلولان کشور در طرح مراقبین خانگی طی سال‌های اخیر خبر داد و اعلام کرد که طبق برآوردهای صورت گرفته در نظر داشتیم این طرح را برای 250 هزار معلول اجرایی کنیم اما متأسفانه کمبود بودجه و اعتبارات مانع اجرای آن شد.

براساس این طرح افراد از کانون خانواده فاصله نمی‌گیرند و از تعداد متقاضیان برای نگهداری در مراکز شبانه‌روزی بهزیستی کاسته می‌شود. در مرحله اول مراقب خانگی از بین اعضای خانواده انتخاب می‌شود و در صورت نداشتن خانواده، تعیین مراقب از خارج از خانواده صورت می‌گیرد. البته از سوی سازمان بهزیستی کشور مبالغی به عنوان کمک‌هزینه نگهداری به مراقبان تعلق می‌گیرد. در این طرح به وسایل مورد نیاز معلول نیز توجه شده است؛ به طوری که اگر برای نگهداری معلول در منزل به تهیه تجهیزات ویژه و خاص از جمله تخت مخصوص و مناسب‌سازی محیط نیاز باشد، از سوی بهزیستی تأمین می‌شود. پیش از آغاز به کار، مراقبین خانگی در دوره‌های آموزشی سازمان بهزیستی شرکت می‌کنند و با نحوه مراقبت از سالمندان و معلولان آشنا می‌شوند. 2 نوع مراقب برای معلولان و سالمندان در این طرح پیش‌بینی شده است.

(در همین زمینه: [سند ملی سالمندان و پیش‌بینی حمایت‌هایی از خانواده‌ها / ورود بنیادهای زیر نظر بهزیستی به موضوع مراقبین خانگی](#))

(در همین زمینه: [طرح مراقبین خانگی و توجه ویژه به زنان سالمند / برنامه‌هایی برای پرکردن اوقات فراغت زنان سالمند](#))

### سامانه الکترونیک ثبت مداخلات طلاق

سامانه الکترونیک ثبت مداخلات طلاق به‌صورت پایلوت در پنج شهر خراسان رضوی اجرا شد و قرار بود تا پایان فروردین ماه نقاط قوت و ضعف آن بررسی شود و در سال 96 به 11 استان کشور توسعه یابد. اما در فروردین ماه اعلام شد که تا پایان سال راه‌اندازی سامانه الکترونیک ثبت مداخلات طلاق در تمام استان‌ها اجرا می‌شود. همچنین اعلام شد که تا پایان خرداد در 10 استان با بیشترین نرخ طلاق راه‌اندازی می‌شود. تهران، البرز، اصفهان، فارس، گیلان، مازندران، مرکزی، قم، کرمانشاه، خراسان رضوی و خوزستان (بدون ترتیب) بیشترین نرخ طلاق کشور را دارند.

براساس این سامانه، افراد قبل از ورود به دادگاه‌ها و ثبت رسمی دادخواست طلاق و پیش از آن که بخواهند وارد چرخه وکلا شوند، از همان ابتدا به چرخه خدمات مددکاری و روان‌شناسی ورود پیدا می‌کنند و در جهت حل منازعات زناشویی آن‌ها اقدام می‌شود. بررسی‌های اولیه نشان داد که 18 تا 20 درصد زوجینی که از طرف دادگستری به مراکز این سامانه ارجاع داده شده‌اند، در پیگیری 6 ماهه تا یک‌ساله به سازش رسیده‌اند.

با وجود وعده‌هایی برای راه‌اندازی این طرح در 10 استان تا پایان خرداد، سرانجام در شهریورماه و در 11 استان راه‌اندازی شد. در دی‌ماه نیز اعلام شد که 591 مرکز مداخله کاهش طلاق در کشور ایجاد شده است و در آخرین اخبار در نیمه اسفندماه، کرمانشاه نیز جزو دارندگان این سامانه شد. با این وجود خبری از اجرای آن در کل استان‌ها مطرح نشد.

(در همین زمینه: [راه‌اندازی سامانه الکترونیک ثبت مداخلات طلاق در تمام استان‌ها](#))

(در همین زمینه: [شیب رشد طلاق کاهش یافته است، نه طلاق / تفاوت مراکز مشاوره ناجا و بهزیستی](#))

راه‌اندازی مرکز مشاوره خانواده در کنار دادگاه‌ها

براساس اعلام مسئولان بهزیستی در دی‌ماه، قرار بود تا پایان سال 130 مرکز مشاوره خانواده در تهران در کنار دادگاه‌ها تشکیل شود که هنوز خبری از آن نیست.

افزودن شیفت به سامانه تلفنی خط ملی اعتیاد

ابتدای امسال عنوان شد که یکی از اولویت‌های مرکز توسعه و پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی در سال 96 افزودن یک شیفت کاری به سامانه خط ملی اعتیاد است که در صورت اجرای این طرح، مدت زمان فعالیت این سامانه تا ساعت 12 شب افزایش پیدا می‌کند.

آبان‌ماه مسئولان بهزیستی اعلام کردند که اضافه نکردن خطوط ملی اعتیاد، ناشی از همکاری نکردن لازم از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در تأمین اعتبار مورد نیاز برای گسترش این سامانه تلفنی است.

سند راهبردی کنترل و کاهش طلاق

مردادماه مسئولان بهزیستی از تدوین سند کنترل و کاهش طلاق در کشور خبر دادند. به گفته آن‌ها سند کنترل و کاهش طلاق در مرحله‌ای است که باید چند نشست کشوری داشته باشیم تا نظرات تمام دستگاه‌ها اخذ شود؛ زیرا لزوماً سازمان بهزیستی به تنهایی نباید فعالیت کند و در این فرآیند نقش تمام دستگاه‌ها پیش‌بینی می‌شود.

در آن زمان و مطابق اعلام بهزیستی پیش‌بینی می‌شد سند راهبردی کنترل و کاهش طلاق نیز تا پایان امسال رونمایی شود. با این وجود براساس اطلاعات منتشرشده، اولین جلسه بررسی این سند در تاریخ ۸ اسفند امسال برگزار شده است و به نظر نمی‌رسد در روزهای پایانی سال شاهد به نتیجه رسیدن آن باشیم.

(در همین زمینه: [سند راهبردی کنترل و کاهش طلاق تا پایان سال رونمایی می‌شود](#))

خانه امن

اردیبهشت‌ماه اعلام شد که خانه‌های امن استان‌های تهران، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و رضوی و آذربایجان شرقی به صورت مستقل فعالیت می‌کنند و در سال جاری این مراکز در کشور توسعه خواهند یافت؛ به طوری که تعداد خانه‌های امن کشور به 15 واحد خواهد رسید. بر این اساس خانه‌های امن در استان‌های بوشهر، قزوین، هرمزگان، ایلام، اصفهان، خوزستان و خراسان شمالی نیز فاز غربالگری و شناسایی را به اتمام رسانده و در سال جاری به صورت مستقل راه‌اندازی خواهند شد.

در سوم مرداد همزمان با افتتاح خانه امن در گرگان اعلام شد که در سطح کشور 22 خانه امن وجود دارد که از این تعداد 15 خانه امن در اختیار بخش خصوصی و 7 خانه امن در اختیار بخش دولتی قرار دارد.

(در همین زمینه: [چرا ظرفیت خانه‌های امن کم است؟ / شماره‌هایی که افراد در معرض خشونت خانگی می‌توانند با آنها تماس بگیرند](#))

تدوین پروتکل آموزش به مرتکبین خشونت

تدوین و تصویب پروتکل آموزش به مرتکبین خشونت نیز یکی از برنامه‌های معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال جاری بود؛ به طوری که برگزاری دوره‌های مخصوص مرتکبین خشونت به منظور کاهش خشونت آن‌ها انجام بگیرد. البته از سرانجام این طرح نیز اطلاعی در دست نیست.

تدوین سند حمایت از قربانیان خشونت

از زمستان سال 95 پیش‌نویس سند حمایت از قربانیان خشونت در سازمان بهزیستی آغاز شد. پس از برگزاری جلساتی سرانجام در مردادماه اعلام شد که این سند راهبردی در حال تدوین است و باید به‌روزرسانی شود.

غربالگری اوتیسم

تیرماه غربالگری اوتیسم توسط سازمان بهزیستی در قالب برنامه ملی غربالگری، تشخیص و مداخله آنلاین در اختلال طیف اوتیسم در سراسر کشور در تمامی استان‌های کشور که دارای مراکز روزانه آموزشی و توانبخشی اختلال طیف اوتیسم هستند، به صورت آنلاین آغاز به کار کرد.

در این برنامه، تمامی کودکان 2 تا 5 ساله مراجعه‌کننده به پایگاه‌های غربالگری و تشخیص آن استان (مراکز روزانه آموزش و توانبخشی اختلال طیف اوتیسم)، توسط والدین و با راهنمایی مربیان و کارشناسان آموزش‌دیده، از نظر احتمال دارا بودن علایم این اختلال، مورد سنجش و غربال قرار خواهند گرفت. سپس در صورت مشکوک بودن کودک به ابتلای این اختلال، اجرای آزمون تشخیصی انجام می‌شود و در صورت قطعی شدن تشخیص، کودک به مراکز آموزشی و توانبخشی اختلال طیف اوتیسم استان جهت مداخلات مرکز‌محور و خانواده‌محور ارجاع می‌شود.

(در همین زمینه: [رنج‌های کودکان مبتلا به اوتیسم در سایه فقدان خدمات بیمه‌ای](#))

اورژانس اجتماعی

اردیبهشت ماه اعلام شد که مقرر شده در سال جاری، 140 مرکز اورژانس اجتماعی جدید در شهرهای بالای 50 هزار نفر تأسیس شود. بار دیگر در مرداد ماه مسئولان بهزیستی اعلام کردند که در حالی که تاکنون 190 مرکز اورژانس اجتماعی داشتیم، برای اولین بار امسال 160 اورژانس اجتماعی جدید را راه اندازی می‌کنیم. با این وجود سرانجام در روزهای آخر شهریور فعالیت 150 مرکز اورژانس اجتماعی در سراسر کشور آغاز شد.

#### افتتاح مراکز مداخله در بحران

مرکز مداخله در بحران یکی از مراکز بهزیستی است که با هدف کنترل و کاهش بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی از طریق ارائه خدمات فوری و تخصصی لازم به افراد آسیب‌دیده اجتماعی یا در معرض آسیب اجتماعی راه‌اندازی و در ابتدای سال جاری 42 مرکز مداخله جدید افتتاح شد.

#### پرداخت دیه زنان سرپرست خانوار

اردیبهشت ماه اعلام شد که بهزیستی دیه جرایم غیر عمد 20 زن سرپرست خانوار را پرداخت کرد. بر این اساس دیه 15 زن سرپرست خانوار از 15 استان کم‌برخوردار و پنج زن سرپرست خانوار شهرستان‌های استان تهران پرداخت شد. به گفته مسئولان بیش از 90 درصد این زنان، ناخواسته سر از زندان درآورده‌اند و کانون خانواده آن‌ها از هم گسیخته شده است.

#### راه‌اندازی مرکز ترک اعتیاد زیر 18 سال

اردیبهشت ماه اعلام شد که سازمان بهزیستی مرکزی را برای افراد زیر 18 سال شامل کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست که از سوی نیروی انتظامی به بهزیستی ارجاع داده می‌شوند در نظر گرفته است و در این مرکز کار سم‌زدایی انجام می‌شود. این افراد پس از طی فرآیند درمان، در صورتی که شرایط لازم برایشان فراهم باشد، به خانواده برگشته و در غیر این صورت، به مراکز سازمان بهزیستی از جمله شبه‌خانواده‌ها ارجاع داده می‌شوند.

بر این اساس در زاهدان یک مرکز برای دختران و یک مرکز برای پسران راه‌اندازی شد. عمده گروه هدف این مراکز کودکانی هستند که سرپرست ندارند یا سرپرست‌شان فاقد وجاهت قانونی برای نگهداری از این کودکان است. مثلاً هر دو سرپرست ممکن است در زندان یا معتاد باشند یا نتوانند خانواده را اداره کنند. در زاهدان حدود 110 تا 115 کودک دختر و پسر درمان شدند.

#### مراکز کودک و خانواده

مراکز کودک و خانواده یکی از مراکز روزانه برای کمک به کودکان کار و خانواده‌های آن‌هاست. طی سال جاری مرکز حمایتی آموزشی کودک و خانواده در پیشاهنگی کرج افتتاح شد و قرار بود گسترش یابد اما اطلاعی از افتتاح مراکز جدید شنیده نشد.

#### مراکز تارک

کودکانی که عمدتاً بدسرپرست یا گاهی بی‌سرپرست هستند، برای ورود به مراکز شبه‌خانواده و اقامت طولانی‌مدت در آن‌جا، یک فرآیند آماده‌سازی را طی می‌کنند. این فرآیند آماده‌سازی در گذشته در خانه تربیتی انجام می‌شد اما در حال حاضر نام این مراکز به خانه‌های توانمندسازی اجتماعی - روانی کودکان (تارک) تغییر کرده است. مراکز تارک، مراکز تخصصی هستند و کودکانی که ابتدا می‌خواهند وارد سیستم بهزیستی شوند، در این خانه‌ها اقامت می‌کنند. به گفته مسئولان بهزیستی، این فرآیند به‌ویژه برای کودکان 12 تا 18 ساله انجام می‌شود. زیرا سن‌شان بیشتر است و رفتارهایی در آن‌ها نهادینه شده؛ در نتیجه نیاز به کار بیشتر روانی - اجتماعی دارند.

خرداد ماه صرفاً تهران و البرز دارای مراکز تارک بودند اما براساس اعلام مسئولان در سایر مراکز کلان‌شهرها نیز در حال راه‌اندازی است. حدود 12 استان مراکز قدیمی خانه‌های تربیتی دارند و معمولاً در اتاقی در مراکز شبه‌خانواده آماده‌سازی صورت می‌گیرد که آن‌ها به‌روزرسانی می‌شوند تا بتوانند استاندارد مرکز تارک را پیدا کنند.

مقرر بود تا پایان امسال تمام استان‌ها دارای مراکز توانمندسازی اجتماعی - روانی کودکان به تفکیک دختر و پسر شوند. با گذشت مدتی

کوتاه در اصفهان و فارس مراکز تارک راهاندازی شد اما خبری از سایر استان‌ها شنیده نشد.

(در همین زمینه: [مراکز تارک با خدمات تخصصی‌تر جایگزین خانه‌های تربیتی می‌شود](#))

راه‌اندازی مراکز جامع خدمات بهزیستی

تیرماه از سوی مسؤولان بهزیستی اعلام شد که راه‌اندازی مراکز جامع خدمات بهزیستی در مناطق محروم و حاشیه‌نشین کشور در دستور کار بهزیستی قرار گرفته است. به گفته مسؤولان 30 شهرستان به‌عنوان محروم‌ترین نقاط ایران شناسایی شده بودند که برنامه‌های خود را برای راه‌اندازی مراکز جامع خدمات بهزیستی در آن‌ها تا پایان سال ارائه کردند و در گام بعدی اجرای این طرح نیز این مراکز جامع در 120 منطقه حاشیه‌نشین کل کشور راه‌اندازی خواهد شد.

در آن زمان یک مرکز جامع خدمات بهزیستی در استان سیستان و بلوچستان و یک مرکز در حاشیه شهر مشهد با توجه به افزایش حاشیه‌نشینی در اطراف مشهد مقدس راه‌اندازی شده بود و قرار بود به زودی سه مرکز در استان‌های کرمان، کرمانشاه و خوزستان راه‌اندازی شود. با گذشت چند روز و در آستانه هفته بهزیستی انوشیروان محسنی‌بندی، رییس سازمان بهزیستی کشور از راه‌اندازی این مراکز خبر داد. به گفته او در حوزه خدمات CBR یا مرکز جامع خدمات بهزیستی، هم‌اکنون بالغ بر 420 هزار نفر از خدمات CBR روستایی سازمان بهزیستی بهره‌مند شدند.

به دنبال این اظهارات، روزهای پایانی تیرماه شاهد راه‌اندازی پایگاه‌های CBR در برخی شهرهای کشور بودیم؛ به طوری که در اولین افتتاح، رییس سازمان بهزیستی کشور با حضور در مرکز سراوان، آن را افتتاح کرد و همزمان ۰۲ پایگاه CBR شهرهای محروم کشور در 6 استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، چهارمحال بختیاری، خوزستان، گلستان و کرمان به صورت ویدئوکنفرانس افتتاح شد. از مجموع این 20 پایگاه، 10 پایگاه آن در شهرستان‌های سبب و سوران، مهرستان، خاش، هیرمند، زهک، سرباز، دلگان، نیکشهر و کنارک از توابع استان سیستان و بلوچستان قرار دارند و پایگاه CBR سراوان به صورت پایلوت انتخاب شده است. همچنین 7 پایگاه متعلق به شهرستان‌های جنوبی و محروم استان کرمان شامل عنبرآباد، قلعه‌گنج، منوجان، فاریاب، رودبارجنوب، ریگان و نرماشیر می‌شود.

آذرماه نیز عنوان شد که خدمات CBR برای ۰۲۴ هزار روستا انجام شده و قرار است این طرح برای استان سیستان و بلوچستان به شکل پایلوت در سطح شهری انجام شود.

غربالگری تنبلی چشم

اواسط تیرماه اعلام شد که 75 درصد کودکان پیش‌دبستانی کشور بالغ بر 3 میلیون نفر طی سال گذشته برای پیشگیری از تنبلی چشم غربالگری شدند. براین اساس عیوب تنبلی چشم در چهار درصد کودکان مشخص شد که با مداخله به‌موقع، از تنبلی چشم پایدار در آن‌ها جلوگیری به‌عمل آمد. همچنین درصدی از کودکان برای دریافت خدمات تخصصی به مراکز ارجاع شدند تا دچار نابینایی نشوند.

معضل زنان معتاد

تیرماه اعلام شد که سرپناه‌های شبانه ویژه زنان معتاد بی‌خانمان راه‌اندازی شده است. همچنین مراکز بین راهی نیز ایجاد شده تا از زنان متأهلی که پس از ترک اعتیاد از سوی خانواده پذیرش نمی‌شوند، نگهداری شود. از سویی 2 تا 3 مرکز مادر و کودک نیز برای مادران معتاد فعال شده تا این افراد به همراه کودکان‌شان نگهداری شوند. براین اساس تصمیم گرفته شده بود که سرپناه شبانه ویژه زنان معتاد بی‌خانمان توسعه یابد اما از سرانجام آن خبری نشد.

(در همین زمینه: [اینجا خماری نمی‌کشیم/جایی برای زندگی](#))

راه‌اندازی مهدکودک در کنار زندان‌ها

وجود یا عدم وجود مهدکودک در مجاورت زندان‌های زنان یکی از چالش‌هایی است که مخالفان و موافقان خود را دارد. پس از

کشمکش این افراد سرانجام اعلام شد که در 2 زندان شیرخوارگاه وجود دارد و زندان‌هایی که بیش از 10 کودک دارند، می‌توانند مجوز شیرخوارگاه بگیرند. براین اساس اعلام شد که پیگیر راه‌اندازی شیرخوارگاه در زندان فشافویه تهران هستند.

زندان فشافویه صاحب شیرخوارگاه می‌شود

همچنین مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور در گفت‌وگو با مهرخانه بیان کرد که. پیش از این مشکلاتی مطرح بود که به گفته مسؤولان زندان حل شده است. تاکنون در تهران شیرخوارگاهی برای زندان افتتاح نشده است. چند سال قبل بازدید انجام شد اما شرایط لازم را برای راه‌اندازی شیرخوارگاه نداشتند که با رفع مشکلات در حال حاضر کار صدور مجوز آن به پایان می‌رسد.

پس از مدتی در اواخر مرداد بهزیستی اعلام کرد این آمادگی را دارد که به هر زندان که بیش از 10 کودک در آن حضور داشته باشد، مجوز تأسیس مهد کودک ارائه کند؛ این در حالیست که بهزیستی نسبت به تربیت مربی برای این مراکز نیز از آن‌ها حمایت خواهد کرد.

در همان زمان در اصفهان خیریه حضرت علی اصغر(ع) که دارای مجوز از بهزیستی است در زندان با هزینه شخصی پروانه مهد کودک گرفته و در آن‌جا محلی را برای مهد کودک در اختیار گرفته بود.

طراحی سامانه‌ای برای پیگیری موارد ثبت‌شده آسیب‌ها

مردادماه حبیب‌الله مسعودی‌فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از راه‌اندازی سامانه‌ای برای ثبت اطلاعات آسیب‌دیدگان اجتماعی خبر داد. به گفته او بهزیستی در حال طراحی سامانه‌ای است تا بتواند تمامی موارد کودک‌آزاری، همسرآزاری و مواردی که به حوزه آسیب‌ها ارجاع داده می‌شود را ثبت کند تا قابل پیگیری باشد. هدف از این سامانه امکان پیگیری افراد در مراجعات احتمالی بعدی آن‌هاست. البته این سامانه بیشتر در حوزه آسیب‌های پنهان، زنان آسیب‌دیده و کودکان خیابانی که ممکن است کد ملی خود را ندانند یا نگویند، فعالیت می‌کند.

در این سامانه هر فردی که وارد سیستم شود، از طریق قرنیه چشم یا روش‌هایی که بتواند کدی واحد به این افراد بدهد، رهگیری می‌شود. براساس اعلام بهزیستی احتمال این می‌رفت که اولین بخش سامانه تا اواخر پاییز در استان تهران راه‌اندازی شود اما خبری از افتتاح آن منتشر نشد.

اجباری شدن غربالگری ژنتیک و تدوین آیین‌نامه آن

مردادماه با خبر دیگری نیز همراه بود. از سوی مسؤولان بهزیستی مطرح شد که براساس قانون برنامه ششم توسعه که غربالگری ژنتیک را برای زوجینی که تصمیم به ازدواج دارند، اجبار کرده است، با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه، آیین‌نامه غربالگری ژنتیک در حال تدوین و ارائه به هیأت دولت است.

طبق برنامه ششم توسعه حدود چهار ماه بعد از ابلاغ قانون برنامه ششم آیین‌نامه باید تصویب شود. در مهر یا آبان زمان تصویب آیین‌نامه تمام و باید در نیمه دوم سال تکلیف این موضوع مشخص می‌شد اما در این زمینه اطلاع‌رسانی نشده است.

برنامه ترک اعتیاد به الکل

تصمیم برای افزودن برنامه ترک اعتیاد به الکل خبر دیگری بود که در مرداد منتشر شد. بر این اساس مقرر شده بود تا این سازمان با انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد، برنامه‌های درمان اعتیاد به الکل و توانمندسازی‌های مربوط به آن را به‌طورادغام‌یافته در برنامه‌های ترک اعتیاد مراکز درمان اقامتی و سرپایی بگنجانند. نتایج این تصمیم نیز مشخص نیست.

(در همین زمینه: [30 درصد از مصرف‌کنندگان الکل در ایران زن هستند / آخرین وضعیت راه‌اندازی مراکز ترک اعتیاد به الکل](#))

لایحه اصلاحی ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست

ازدواج فرزندخوانده با سرپرست یکی از چالش‌های چندساله است. شهرومراه مسؤولان بهزیستی از لایحه حذف ازدواج فرزندخوانده با سرپرست چه در زمان حضانت و چه بعد از آن، از متن قانون خبر دادند. به گفته آن‌ها دولت لایحه اصلاحی ممنوعیت ازدواج فرزندخوانده با سرپرست را تدوین و به‌زودی به مجلس شورای اسلامی ارسال خواهد کرد. چنانچه پس از ارسال لایحه اصلاحی مذکور مبنی بر ممنوعیت مطلق ازدواج میان فرزندخوانده و سرپرست فقها و حقوقدانان شورای نگهبان مجدداً آن را رد کنند، این لایحه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهیم فرستاد تا از این طریق نسبت به تصویب آن اقدام شود.

با این وجود خبری از لایحه دولت نشد و همراه سیده حمیده زرآبادی، نماینده مجلس شورای اسلامی از تهیه طرحی با عنوان اصلاح تبصره ماده 26 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست خبر داد. به گفته او نمی‌توانستیم منتظر بمانیم که آیا دولت این لایحه را به مجلس می‌فرستد یا نه. اگر اختلافی بین لایحه دولت و مجلس وجود داشته باشد، در صورتی که لایحه به مجلس برسد، هر کدام بهتر بود را پیش می‌بریم. اگر هم‌پوشانی داشت یا مکمل یکدیگر بود، کامل و تحت عنوان طرح یا لایحه ارائه می‌کنیم. همچنین اگر به مجلس نرسد و در کمیسیون‌های دولت بماند، طرح خودمان را پیش می‌بریم. اگر لایحه نسبت به طرح کامل‌تر باشد، آن را پیش می‌بریم و طرح خود به خود کنار می‌رود.

از سرنوشت لایحه دولت اطلاعی در دست نیست و طرح مجلس نیز اعلام وصول شده است.

### راه‌اندازی سامانه فرزندخواندگی

شهرومراه خبر افتتاح سامانه فرزندخواندگی منتشر شد. براساس گفته‌های مسؤولان، با افتتاح این سامانه زوجین متقاضی راحت‌تر از گذشته می‌توانند برای فرزندخواندگی ثبت‌نام کنند. این طرح به صورت پایلوت در تهران انجام می‌شود و پس از گذراندن فاز آزمایشی در سراسر کشور اجرایی خواهد شد. این سامانه برای سه گروه از متقاضیان راه‌اندازی شده است: افرادی که صاحب فرزند نمی‌شوند، خانواده‌هایی که یک فرزند دارند و در مرحله سوم نیز دختران مجرد بالای 30 سال می‌توانند برای ثبت‌نام و تقاضای فرزندخواندگی در این سامانه اقدام کنند.

### راه‌اندازی سامانه سراج

اوایل دی‌ماه سامانه پیمایش رصد آسیب‌های اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن (سراج) در 31 استان راه‌اندازی شد. به گفته مسؤولان بهزیستی، این سازمان جزو نهادهایی است که باید تا پایان برنامه ششم توسعه میزان آسیب‌های اجتماعی را تا 25 درصد کاهش دهد؛ به همین دلیل سامانه رصد راه‌اندازی شد. بحث رصد، به برنامه‌ریزان اجتماعی کمک می‌کند.

در مرحله ابتدایی طرح، در هر استان 4100 پرسشنامه به تعداد مساوی در بین جمعیت خانم و آقا و در رده سنی خاص توزیع می‌شود و پاسخ‌ها پس از جمع‌آوری در اختیار گروه پژوهشی-دانشگاهی متولی امر قرار گرفته و بر اساس روش‌های آماری علمی و دقیق تجزیه و تحلیل می‌شوند. پس از شناسایی آسیب‌های شایع و رایج در هر استان و اولویت‌بندی آسیب‌ها در هر منطقه، برای پیشگیری از آسیب‌ها برنامه‌ریزی و اقدامات مؤثر انجام خواهد شد.

(در همین زمینه: [سامانه سراج رونمایی شد / حل آسیب‌های اجتماعی با راهکارهای منطقه‌ای](#))

### طرح خدمات سازگاری پس از وضعیت طلاق

اواسط بهمن‌ماه از سوی بهزیستی عنوان شد که مراکز خدمات مشاوره‌ای جهت سازگاری پس از وضعیت طلاق در سراسر کشور افزایش می‌یابد و طی آن، خدماتی مانند بازآرایی زندگی والد و فرزند و مشاوره برای ازدواج مجدد یا موقت ارائه می‌شود. همچنین اعلام شد که بهزیستی در حال آماده کردن محتوا و ساخت فیلم و انیمیشن برای سازگاری فرد پس از وقوع طلاق است.

با توجه به زمان شروع این طرح، احتمالاً در سال 97 باید منتظر به نتیجه رسیدن آن باشیم.

مرکز رفاه کودک و خانواده

اواسط بهمن مرکز رفاه کودک و خانواده ویژه کودکان ۶ ماه تا ۲۱ سال برای ارائه خدمات نگهداری و مراقبتی در ساعات عدم حضور والدین در منزل، برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه والدین، اردوهای فرهنگی تفریحی و برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌های سرپرستی راه‌اندازی شد. این مرکز از مراکز غیردولتی تحت نظارت سازمان بهزیستی بوده و با ارائه خدمات عمومی و به‌صورت ساعتی و تمام‌وقت آماده به کار است و خدماتی نظیر مراقبت روزانه، انجام تکالیف مدرسه، مددکاری اجتماعی، مشاوره و راهنمایی، اردوهای فرهنگی تفریحی، فعالیت‌های فوق برنامه و دوره‌ها و جلسات آموزشی ویژه خانواده‌ها را ارائه می‌دهد.

براساس اعلام سازمان بهزیستی به‌طور کلی ۶۱ مرکز رفاه کودک و خانواده در سراسر کشور افتتاح شده است و تلاش می‌شود که تا پایان سال ۳ مرکز دیگر نیز افتتاح شود و بیشتر مهدها به سمت چنین مراکزی سوق داده شود.

قانون حمایت از معلولان

در روزهای ابتدایی اسفند از سوی سازمان بهزیستی اعلام شد که ایرادات مطرح‌شده از سوی شورای نگهبان برطرف شده و لایحه حمایت از معلولان تا پایان سال در مجلس به تصویب و بخشی از آن در سال ۷۹ اجرا خواهد شد.

منبع: مهرخانه

## خشونت گران رفتارهای دوقطبی دارند

Photo: axelbueckert/bistock.com

**خانه امن:** پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

**پورش:** زن جوانی هستم که به تازگی ازدواج کرده‌ام. پدرم با ازدواج من مخالف بود. اما با اصرار زیاد من، خانواده‌ام بالاخره راضی شدند.

همسر من ایرانی نیست و در خانه با هم انگلیسی صحبت می‌کنیم. دو هفته بعد از ازدواج برای اولین بار دعوایمان شد و صدایش را بلند کرد. سوتفاهمی بود که شاید به خاطر تفاوت فرهنگ و زبان ایجاد شده بود. اما او از داد زدن دست بر نمی‌داشت و تهدید کرد که من را می‌کشد.

ظرف چند ماه، دوباره موضوع چند بار تکرار شد و سرانجام تصمیم به جدایی گرفتم اما وقتی فهمیدم باردار هستم از جدایی منصرف شدم. سعی کردم او را ببخشم و به زندگی‌ام برگردم.

دوباره همین هفته پیش به خاطر یک برداشت اشتباه از صحبت‌های من از کوره در رفت و من را هول داد، زمین خوردم و زخمی شدم. به جان وسایل خانه افتاد و هر چه جلوی دستش بود را شکست. بالاخره توانستم برای یک دقیقه آرامش کنم تا برایش موضوع سوتفاهم را توضیح بدهم. وقتی متوجه اشتباه‌اش شد بغلم کرد و مرا بوسید و عذرخواهی کرد. بین دو راهی سقط جنین و زندگی زیر خشونت فیزیکی و روانی گیر افتاده‌ام. چه کنم؟ برای بچه آینده‌ام بهتر گزینه کدام است؟ دوستانم مرا به سقط و طلاق تشویق می‌کنند. اما من باور نمی‌کنم فاصله بین عشق و نفرت چنین کوتاه باشد.

**پاسخ:** دوست عزیز، نوشته غمگین شما با جمله ای شروع شده است که من صدها و هزاران بار در طول سال‌ها کار در این حوزه شنیده و

خوانده‌ام: «خانواده‌ام با ازدواج من مخالف بودند اما با اصرار زیاد من، بالاخره راضی شدند.» پیش از پاسخ دادن به سوال شما بار دیگر نظر شما را به [اهمیت نقش خانواده در پیشگیری و مبارزه با خشونت خانگی](#) که قبلا در همین سایت منتشر شده است جلب می‌کنم.

## خشونت توجیهی ندارد

دخترم، بگذار خاطرت را جمع کنم که رفتار همسر شما به هیچ وجه به خاطر تفاوت فرهنگی و زبانی و ... نیست. اصولا به یاد داشته باشید که خشونت و پرخاشگری هرگز هیچ توجیهی ندارد. همه انسان‌های روی زمین خشمگین می‌شوند ولی تعداد کمی هستند که پرخاشگری می‌کنند. تفاوت این دو دسته افراد چیست؟ حرفی که شما می‌زنید ایده‌آل افراد پرخاشگر است. آنها همیشه می‌گویند «تو مرا عصبانی می‌کنی.»

یک بار در کلینیک مشاوره من، یک فرد بسیار تحصیل کرده در حضور خانواده‌اش به من گفت: «اگر این‌ها پا روی دم من نگذارند، من کاری به کار آنها ندارم!» پاسخ من به ایشان این بود: «اولا بسیار متاسفم شما دم دارید!» «همگی خندیدند و فرد مورد نظر هم متوجه معنایی که در مثال عامیانه‌اش پنهان بود، شد. فقط یک حیوان است که با پا گذاشتن روی دم، فوراً و بدون فکر به کسی حمله می‌کند. سوال دوم من از کسانی که این بهانه‌ها را می‌آورند این است: «آیا شما هرگز در محیط کار از رئیس خود خشمگین شده‌اید؟ آیا به ایشان پرخاش می‌کنید؟ کتک می‌زنید؟ ناسزا می‌گویید؟ چیزی به طرفش پرتاب می‌کنید؟» پاسخ همیشه چیزی در این ردیف است: «مگر من دیوانه هستم!» «این پاسخ نشان می‌دهد که خشونت این افراد کاملاً انتخابی است و توانایی کنترل آن را دارند.

## خشونت‌گر می‌تواند خودش را کنترل کند

این مقدمه را گفتم تا شما بدانید که همسران توانایی کنترل خود را دارد و این شما هستید که با رفتارتان به او اجازه خشونت را می‌دهید. توصیه همیشگی من به همه افراد این است که هرگز کوچک‌ترین مورد خشونت و پرخاشگری را تحمل نکنند و با آن برخورد خیلی جدی داشته باشند. خشونت‌گران معمولاً از همان ابتدای آشنایی نشانه‌های رفتاری خاصی را از خود نشان می‌دهند. شما در این مورد چیزی نوشته‌اید. علت مخالفت پدرتان را هم ذکر نکرده‌اید. شاید ایشان ردپای پرخاشگری را در رفتارهای همسر شما دیده بودند. یکااش پیش از ازدواج جوانان و والدین آنها نسبت به این مسائل حساس باشند تا از این وضعیتی که امثال شما گرفتار آن هستند، جلوگیری کنند.

من هرگز نمی‌توانم به شما توصیه‌ای در مورد سقط یا عدم سقط جنین بکنم. اما می‌توانم بگویم که مشکل شوهر شما کاملاً قابل حل است و توصیه کنم که حتماً و در اسرع وقت این مسئله را پیگیری کنید. این وقایع هرگز نباید در طول بارداری شما تکرار شوند. در دوران بارداری حتی کسی نباید با شما با صدای بلند حرف بزند. جنین تحت تاثیر مستقیم حالات روحی و جسمی مادرش است و خوشی و ناخوشی شما روی جسم و روان او تاثیر مثبت و منفی می‌گذارد.

معمولاً افراد خشونت‌گر رفتارهای دو قطبی دارند. یعنی به همان اندازه که خشونت می‌ورزند، می‌توانند مهربان و دوست داشتنی باشند که شما از آن به عنوان فاصله کوتاه بین عشق و نفرت یاد کرده‌اید. اگر همسر شما هم همین حالت را دارد، در اولین فرصت هنگامی که اخلاقش خوب است با ملایمت به او بگویید که نگران فرزندتان هستید و باید فکری به حال خشم و رفتارهای خشمگینانه خود بکنند. به قول و قرارهای ایشان توجه نکنید و از او بخواهید که کمک تخصصی بگیرد. امکانات کشورهای مختلف در این رابطه متفاوت است. شما نگفته‌اید که کشور محل اقامتان کجاست. کلاس‌ها و گروه‌های تخصصی مدیریت خشم می‌تواند برای ایشان مفید باشد ولی قبل از آن باید برای تشخیص نیازهای درمانی خود به یک روان‌پزشک یا روان‌شناس بالینی مراجعه کنند. اگر این تلاش‌ها در ایشان تاثیری نگذاشت، حتماً از دیگران کمک بگیرید. اگر در ایران هستید، از افراد خانواده و اگر خارج از ایران هستید از مراجع قانونی کمک بگیرید و تا وقتی که ایشان به گواهی متخصصین رفتارهای پرخاشگرانه خود را کلاً برطرف نکرده است، به زندگی مشترک باز نگردید.

## داستان رز لیلیان: با برادرم رو در رو شدم

Photo: Kasia Bialasiewicz/bigstockphoto.com

برگردان: میترا پهلوان

سواستفاده جنسی برادرم از من تاثیرات منفی زیادی داشت. حتی در مراحل روانکاوهایم باور نمی‌کردند که من مورد خشونت جنسی قرار

گرفته‌ام.

## تجربه‌های دوران کودکی‌ام

آیا آدم‌هایی که در زندگی‌ام بوده‌اند را بخشیده‌ام؟ بله، اکثر آنها را بخشیده‌ام اما هنوز قسمتی از گذشته‌ام هست که باید با آن کنار بیایم. دورانی که با این روزها بسیار متفاوت بودند.

مادر و پدرم هر دو تاثیر زیادی بر زندگی من داشتند. آنها باور داشتند که بچه‌ها باید به والدینشان و همه بزرگترها احترام بگذارند. هیچ وقت از مادر و پدر یا حتی خواهر و برادرم جمله دوست دارم یا تو برای من اهمیت داری را نشنیدم. فرض بر این بود که بدانی آنها دوست دارند. من بلوند بودم با موهایی فر در حالی که اکثر خانواده‌ام موهایی صاف و قرمز داشتند. مواقع زیادی غریبه‌ها به طعنه می‌گفتند که شاید پدر واقعی تو کس دیگری است. برای همین من باور کردم که با اعضای دیگر خانواده‌ام متفاوت هستم. من خیلی زود یاد گرفتم که برای هر اشتباه در زندگی باید تاوانی داد. اگر هر اشتباهی از من سر بزند، خدا یا پدر و مادرم از دستم عصبانی خواهند شد.

وقتی که هشت سالم بود، من و بهترین دوستم که همسایه‌مان هم بود تصادف کردیم. به من آسیبی نرسید اما دوستم مُرد. صبح بعد از حادثه کمی سردرد داشتم و مریض بودم و مادر اجازه داد که به مدرسه بروم. او به من گفت روز بعد حتما سر کلاس حاضر شوم. در مورد حادثه هیچ صحبتی نکردیم و مادرم گفت باید آن را فراموش کنم. سالها بعد متوجه شدم که مادرم فکر می‌کرده است که کودکان غم و تروما را در بزرگسالی تجربه خواهند کرد و لزومی ندارد که در کودکی تجربه کنند. تا حدی البته این راهکار جواب داد چون در ظاهر به آن حادثه فکر نمی‌کردم.

فکر نمی‌کردم که دوستم مُرده است، تظاهر می‌کردم که گم شده است و کسی هم راجع به او صحبت نمی‌کند. تلاش می‌کردم که فراموش کنم، اما چیزهای زیادی بود که او را به یاد من می‌آورد. در مدرسه دلم برایش تنگ می‌شد، او تنها کسی بود که من با او بازی می‌کردم و بعد از حادثه تقریباً من با هیچ کس دیگری همبازی نشدم. چند روز بعد از مرگ او مادرش را در خیابان دیدم ولی او مسیرش را عوض کرد تا مجبور نشود با من حرف بزند. کمی بعد مادرم گفت بهتر است دیگر برای بازی با اقوام دوستم به خانه آنها بروم. ولی یک بار که آنجا رفتم، آنها گفتند که دیگر حق ندارند که با من بازی کنند.

همان سال دو خواهر که در مدرسه ما بودند در یک تصادف رانندگی جلو مدرسه کشته شدند. قبل از تصادف صدای خواهر بزرگتر را شنیدم که با مردی حرف می‌زد که از او می‌خواست که سریع‌تر حرکت کند، او پاسخ داد که: نه نمی‌توانم چون خواهرم دستم را محکم گرفته است و خوابیده است. بعدها شنیدم که هنگام تصادف، خواهر کوچکتر در دم جان داده است و خواهر بزرگتر کمی بعدتر. آن سال من افت تحصیلی شدیدی داشتم و بسیار عصبانی و بدخلق بودم.

وقتی که ۰۱ یا ۱۱ سالم بود برادرم که آن زمان ۵۱ ساله بود سواستفاده جنسی از من را شروع کرد. به نظرم به خاطر غم و آسیب پذیری من، به خود اجازه چنین کاری را داد. والدینم به من به چشم کودکی تنها که برای همیشه تنها می‌ماند نگاه می‌کردند. من در هیچ کاری مشارکت نمی‌کردم، مگر این که با تشویق یا اجبار بسیار وادار به انجامشان می‌شدم. مرگ بهترین دوستم، تاثیرات بسیاری بر من داشت اگرچه حق صحبت در مورد آن را نداشتم. برادرم متوجه این موضوع شده بود. او نامه‌های تهدید آمیز برای من نوشت. اینکه اگر پدر و مادر بفهمند که بین ما چه اتفاقی افتاده است آسیب زیادی خواهند دید. او به من می‌گفت سری جدید مجله کمیک را دارم اما اگر دوست داری بخوانی باید به اتاق من بیایی. او به من توجه نشان می‌داد و من به سوی آن دست دراز کردم.

## اثرات دراز مدت سواستفاده جنسی

چند ماه بعد از تولد بیست سالگی‌ام باردار شدم در حالی که دوست پسرم شانزده ساله بود. بعد از در میان گذاشتن با والدین‌مان و اجازه دادگاه باهم ازدواج کردیم و او تازه هفده ساله شده بود. ما صاحب سه فرزند شدیم و همسر هم فرزند چهارم بود. شوهرم الکل زیادی مصرف می‌کرد و من نمی‌توانستم شرایط را مدیریت کنم. زندگی خانوادگی‌ام متزلزل بود. اتفاقات گذشته، من را نگران می‌کرد و کم کم علائم استرس پسا-تروما را تجربه کردم.

با اورژانس خدمات اجتماعی تماس گرفتم که در مورد یکی از رفتارهای نگران کننده‌ام با آنها صحبت کنم. در آن زمان در مورد سلامت روان زیاد نمی‌دانستم و مشاور تلفنی به من پیشنهاد داد که به کلینیک سلامت روان بروم و من هم این کار را کردم.

الان حدود سی سال است که من به این کلینیک می‌روم. در طی این سالها روانکاوهای متفاوتی داشته‌ام و آنها بیماری‌های متفاوتی را تشخیص داده‌اند: استرس پسا-تروما، افسردگی شدید و اختلال شخصیتی مرزی.

در کودکی دوست صمیمی‌ام و دو دوست تقریباً نزدیک را در فاصله چند ماه از دست دادم. من قسمتی از آن حوادث بودم، در صحنه تصادف حضور داشتم، می‌شنیدم و دنبال می‌کردم. من حس از دست دادن می‌کردم، اما اجازه نداشتم واکنشی نشان دهم و سوگواری کنم. یکی دو سال بعد برادرم شروع به سواستفاده جنسی از من کرد. که نتیجه آن استرس پسا-تروما بود. امروزه پس از تروما، گروهی از

متخصصین وارد عمل می‌شوند و با شخص آسیب‌دیده صحبت می‌کنند تا از استرس پسا-تروما بکاهند.

## در زمان کودکی من اینگونه حمایت‌ها وجود نداشت

وقتی که کودکانم هنوز خردسال بودند فراموشی‌های گاه و بیگاه شروع شد. پس از کمی، استرس پسا-تروما تمام قد در برابرم ظاهر شد. با هر صدایی به زیر میز فرار می‌کردم یا گوش‌هایم را می‌گرفتم. تعجبی نداشت که احمق خطاب می‌شدم. کابوس‌ها هم کم‌کم شروع شدند و در آنها قسمتی از تجربه‌هایم دوباره به صورت مغشوش و درهم و برهم تکرار می‌شد، انگار در خواب ما به خودمان پیام می‌فرستیم. چندین بار در بیمارستان بستری شدم که بیشترشان با انتخاب خودم بود. بارها خودزنی، اقدام به خودکشی کردم چون احساس می‌کردم کسی به من گوش نمی‌دهد. مدام تکرار می‌کردم: «کسی به من گوش نمی‌دهد.»

سواستفاده جنسی برادرم تأثیرات بلند مدت فراوانی داشت و حتی در برهه‌هایی روانکاوهایم باور نمی‌کردند که من مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته‌ام.

## با برادرم رو در رو شدم

پس از مرگ والدینم بالاخره با برادرم رو در رو شدم. تا آن موقع صبر کرده بودم، چون می‌ترسیدم آنها رنج ببینند و همه چیز به هم بریزد و ممکن بود در مرگ آنها خودم را مقصر بدانم. وقتی آنها زنده بودند سکوت کردم و فکر می‌کردم با این کار از آنها محافظت می‌کنم.

وقتی پدر و مادرم فوت کردند با برادرم رو در رو شدم. به او نامه‌ای نوشتم: تو باید از من مراقبت می‌کردی تو برادر بزرگترم بودی و از من سواستفاده کردی و مرا آزار دادی و... ، او نامه‌ای در جواب نوشت و گفت قضایا را جور دیگری به یاد می‌آورد. این که من به او گفته‌ام مجله‌های کمیک را دوست دارم. قسمتی از اتفاقاتی که افتاده بود را قبول داشت ولی نه همه آنها را. حالتی شبیه اینکه من آن روزها شکایتی از تو نشنیدم.

تجربه کودکی من نشان می‌داد که خانواده من در مورد اتفاقات بد صحبت نمی‌کردند چون می‌ترسیدند پیامدهای بدتری داشته باشد. برادر من از این موضوع که خانواده من در مورد مسایل به راحتی صحبت نمی‌کردند استفاده کرد و مرا در برابر سواستفاده ساکت نگه داشت. بعد از این که به برادرم نامه نوشتم موضوع را با خواهرانم در میان گذاشتم و یکی از آنها گفت: با من هم سعی کرد که این کار را بکند.

## به روانکاوها گفتم

روانکاوهایم داشتم که وقتی موضوع سواستفاده را به آنها گفتم آنها باور نمی‌کردند چون من صبر کردم تا پدر و مادرم از دنیا بروند. روانکاوهایم باور نمی‌کردند که سواستفاده جنسی را بعد از سال‌ها مشاوره تازه با آنها در میان بگذارم. آنها هیچ وقت نپرسیده بودند و من هم نگفته بودم.

بعد از نوشتن نامه، به روانکاوام موضوع را گفتم. او گفت احتمالاً خیالاتی شده‌ام و در عالم واقع چنین اتفاق نیفتاده است. گفتم: من به خوبی به خاطر می‌آورم و یقیناً این اتفاق‌ها افتاده است. او سوالات بیشتری می‌کرد به او گفتم: سعی نکن مرا متقاعد کنی که اتفاق نیفتاده است. من مطمئنم که مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته‌ام او گفت پس چرا پس زودتر این موضوع رو مطرح نکردی؟ گفتم: چون نپرسیده بودی و من تمام این مدت به خاطر پدر و مادرم سکوت کردم چون برادرم مرا تهدید کرده بود که به آنها آسیب خواهد رسید. من در کودکی دچار آسیب روانی شدم و این موضوع روی کودکانم اثر منفی گذاشت.

## چگونه با مشکلات مقابله کردم

من به خاطر فرزندانم به معالجه ادامه دادم. یاد گرفتم که صحبت کنم و نحوه مداوایی که از کلینیک دریافت می‌کنم را مورد سوال قرار بدهم.

من داستان زندگی ام را نوشته‌ام تا بتوانم افکارم را روی کاغذ بیاورم. در واقع این راهی است برای این که افکارم را به هم مرتبط کنم تا به یک نمای کلی درباره این موضوعات برسم. راهی که از بیمار شدن مغز و قلبم جلوگیری کند. داستانی خصوصی در مورد من و فرزندانم. آنها و چند دوست نزدیک داستان را خوانده‌اند. این که چطور گذشته‌ام زندگی مرا تحت تأثیر قرار داده است و چه آینده‌ای را انتظار دارم.

## برای دیگران چه پیامی دارم

زنانی که سواستفاده جنسی یا خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند نیاز به حمایت دارند تا بتوانند غرور، استقلال و ارزششان را در بازیابند.

کلینیک‌های بهداشت روان باید برای حمایت زنان آسیب دیده بهتر عمل کنند. سیستم در مواقعی به زنان، آسیب بیشتری می‌زند چون

تجربه‌های آنان را بی اعتبار می‌دانند. من از نحوه برخورد و درمان در بیمارستان‌ها و کسانی که این خدمات را انجام می‌دهند عصبانی هستم. در حالی که آنان وظیفه مراقبت و مسئولیت حرفه‌ای در برابر بیماران دارند، سهل‌انگاری و در بعضی مواقع رابطه سودجویانه و آزاردهنده‌ای دارند. من از دولت و روند اداری در تصمیم‌گیری‌ها عصبانی هستم چون باعث نادیده گرفتن بیماران می‌شود. آنها ادعا می‌کنند که سرشان شلوغ است و اهمیتی برای کمک به بیماران قائل نیستند.

مادران ناتوان در رابطه خشونت‌آمیز حمایتی دریافت نمی‌کنند. باید از گذشته درس بگیریم و بدانیم که مقصر خشونت‌ها نبوده ایم و از آن‌ها عبور کنیم.

زنان را تشویق می‌کنم تا در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند تا تغییر مثبتی ایجاد کنند. همیشه به این فکر می‌کنم که با استفاده از تجربیاتم چگونه می‌توانم به زنان جوان کمک کنم؟ چگونه می‌توانیم با کمک یکدیگر جامعه را جوری تغییر دهیم تا زنان دیگر، خشونت و سواستفاده را تجربه نکنند؟ آینده را بهتر از گذشته‌مان بسازیم.

من به دنبال آگاه‌سازی مردم در مورد عقیم‌سازی دختران ناتوان و کم‌توان هستم. در طی مراجعه به کلینیک‌های بهداشت روان، زنانی را دیدم که به اجبار عقیم شده بودند. من زنانی را دیده‌ام با مشکلات ذهنی در حالی که فرزند داشتند و بسیار عالی و توانا بودند. دیگران برای این بیماران تصمیماتی می‌گیرند در حالی که چیزی درباره آنها نمی‌دانند. ما ارزش‌های خودمان را به دیگران تحمیل نمی‌کنیم. افراد با تحصیلات بالا هم در این لیست هستند. قطعاً تحصیلات بالا نظام ارزشی خاصی برای شخص به همراه ندارد.

باید به کودکانمان در مدرسه بیاموزیم که سلامت روان چیست. آنها باید بیاموزند که آزار، سواستفاده، آسیب روانی و تنهایی خوب نیستند. کودکان باید حالات افسردگی، سواستفاده و خشونت را بشناسند. اینکه روابط سالم داشته باشند و اگر اشکالی وجود داشت حتماً در مورد آن صحبت کنند. همیشه باید امید داشت چون گاهی تنها چیزی است که برای انسان باقی می‌ماند. فردا باید روز بهتری باشد.

منبع: DVRCV

## در صورت سکونت در مسکن نامناسب، زن می‌تواند تمکین نکند

موسی برزین خلیفه لو - پژوهشگر حقوق

گرچه خشونت خانگی از لحاظ مفهومی کما بیش روشن بوده و به هزر رفتار خشونت‌آمیز یک عضو علیه عضو دیگر خانواده اطلاق می‌شود، اما مصادیق خشونت خانگی نسبت به هر جامعه‌ای ممکن است متفاوت باشد. وجود برخی آداب و رسوم و باورهای مذهبی و یا فرهنگ حاکم بر افراد می‌تواند مصادیق و موارد متعددی از خشونت خانگی را به وجود آورد. یکی از مسائلی که در جامعه ایران از قدیم الایام رواج داشته است، زندگی با خانواده شوهر یا زن در یک محل است. گرچه این امر رفته رفته بسیار کم رنگ شده و هم اکنون بیشتر زوج‌ها تمایل به زندگی مستقل دارند، اما بازهم شاهد اختلاف در مورد زندگی با خانواده همسر هستیم. در برخی موارد به دلیل فقدان شرایط مالی مناسب زن و شوهر پس از ازدواج مجبور به اقامت در خانه خانواده خود می‌شوند در برخی موارد نیز فرد به دلیل سالخورده‌گی والدین خود، آنها را در خانه خود سکونت می‌دهد. در هر دو مورد استقلال محل سکونت خدشه دار می‌شود.

زندگی با مادر و پدر شوهر یکی از مواردی است که معمولاً باعث بروز اختلاف بین زن و شوهرها می‌شود. بعضاً مشاهده می‌شود که برخی از مردان، همسر خود را مجبور به نگهداری از پدر و مادر خود می‌کنند در حالی که همسر راضی به زندگی کردن در کنار آنان نیست. همین امر باعث بروز تشقت در خانواده و بعضاً خشونت خانگی می‌شود. برخی از مراجعه‌کنندگان به خانه امن چنین مشکلی را داشته‌اند. به عنوان مثال خانمی با مرکز مشاوره خانه امن تماس گرفته و اظهار می‌کرد که شوهرش مادر 70 ساله خود را به خانه آنان آورده است. این شوهر همسر خود را مجبور به نگهداری از مادر شوهر می‌کرده است. علاوه بر آن افرادی که به دیدار مادر سالخورده می‌آمده‌اند زحمات مضاعفی برای وی ایجاد کرده بودند. همین مساله سبب بروز اختلاف بین ایشان و همسرش شده بود. این زن و شوهر در نهایت نتوانسته بودند به توافق برسند و زن خانه را ترک کرده بود.

شاید بتوان تعداد زیادی از این گونه موارد را ذکر کرد اما سوال مهم در این موارد این است که از لحاظ حقوقی آیا زن یا مرد می‌تواند

خانواده خود را به صورت دائم در خانه سکونت داده و همسر خود را موظف به نگهداری از آنان کند؟ و یا اینکه آیا زن موظف به سکونت در منزل خانواده مرد است؟

بر اساس قوانین ایران حق انتخاب مسکن بر عهده شوهر است اما این بدان معنا نیست که شوهر بتواند بدون توجه به وضعیت زن، وی را مجبور به سکونت در هر خانه ای که خود صلاح بداند کند. یعنی اینکه در انتخاب مسکن توسط شوهر، لازم است شان و موقعیت اجتماعی وی در نظر گرفته شود. این بدان معنی است که مرد گرچه حق انتخاب مسکن را دارد اما نمی تواند مسکنی انتخاب کند که آشکارا با شان و منزلت زن در تعارض باشد. شان و موقعیت اجتماعی نیز بر اساس زندگی قبل از ازدواج زن و یا وضعیت زندگی اقریبی نزدیک زن تعیین می شود. موقعیت مالی زن، شغل وی، موقعیت اجتماعی پدر و مادر وی و مسائلی از این قبیل، موقعیت اجتماعی زن را تعیین می کند. به عبارتی مرد باید با رجوع به عرف، مسکن مناسبی با وضعیت زن تهیه کند. البته این بدان معنا نیست که مرد موظف به تهیه مسکنی کاملاً برابر یا برتر از مسکن قبل از ازدواج زن است بلکه لازم است نزدیک به آن باشد. از ماده 1107 قانون مدنی این مساله به خوبی قابل برداشت است. بر اساس این ماده: «نفقة عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» همانطور که از متن ماده پیداست قانونگذار تهیه مسکن متعارف و متناسب با وضعیت زن را مد نظر قرار داده و آن را از وظایف مرد دانسته است. بنابراین اگر زندگی در خانه خانواده شوهر متعارض با شان زن باشد می تواند از آن امتناع کند. زن در صورت عدم تهیه مسکن مناسب می تواند به دادگاه رجوع کرده و بخواهد که شوهرش را ملزم به تعیین مسکن مناسب کند. ضمانت اجرای دیگر این است که اگر سکونت در مسکن نامناسب، خطر ضرر شرافتی به زن را ایجاد کند، وی می تواند زندگی مشترک را ترک کرده و تمکین نکند. بر طبق ماده 1115 قانون مدنی ایران: «اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.» بنابراین دو ضمانت اجرا در این مورد وجود دارد یکی مراجعه به دادگاه و الزام شوهر و دومی عدم تمکین.

اما در فرضی که شوهر خانواده خود را در منزل خود سکونت دائم می دهد تا از آنان نگهداری کند در این مورد قوانین ساکت هستند فقط در قانون مدنی ذکر شده است که نفقه پدر و مادر بر عهده اولاد است. شاید از این مقرر بتوان استنباط کرد که نگهداری از پدر و مادر سالخورده و ناتوان نیز بر عهده اولاد است. اگر از لحاظ اخلاقی هم به مساله نگاه شود، می توان گفت فرزندان موظف به تامین مخارج زندگی والدین خود و مکلف به نگهداری از آنان هستند. قطعاً چه از لحاظ حقوقی و چه از لحاظ اخلاقی نمی توان فرزندی را هر چند متاهل از زندگی در کنار پدر و مادر خود بازداشته و مانع نگهداری کردن از آنان شد. اما در برخی موارد این حق و وظیفه با حقوق دیگری تعارض پیدا می کند. فرزندی خواهان نگهداری از پدر و مادر ناتوان خود د از طرف دیگر همسر رضایتی به زندگی با خانواده همسرش را نداشته و تمایلی به نگهداری از آنها ندارد. بنابراین در این مواقع از یک طرف شوهر موظف به تهیه مسکن مناسب و مستقل برای زن است از طرف دیگر لازم است از والدین خود نگهداری کند. قطعاً الزام به نگهداری از والدین توسط همسر معارض با قوانین است اما زندگی با پدر و مادر حقی قانونی است.